نشریه شماره ۹

مشعل آبادان

MASHAL ABADAN



نوروز فرخنده باد

NO.9 March 2024

شماره ۹ اسفند ۱۴۰۲





وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی   ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها

نوروز مبارک



مشعل آبادان

فرهنگی، تاریخی، اجتماعی

زیرنظر هیئت نویسندگان

شماره ۹، اسفند ۱۴۰۲

Email: mashalabadan1@gmail.com

فهرست مطالب

همکاران نشریه شماره ۹ مشعل آبادان





یادداشت سردبیر

تاریخ را به شرطی می‌توانیم در خدمت توسعه اکنون قرار دهیم که نگاه یک‌سویه و متصلب به گذشته را کنار گذاریم.
به دلیل نقشی که نهادها و مراکز اموزشی و اجتماعی در توسعه و ساخت آبادان جدید ایفا کردند مشعل آبادان در نظر دارد در هر شماره به یکی از آنان بپردازد.
این شماره مشعل آبادان، به واکاوی و معرفی آموزشگاه کارآموزان اختصاص دارد. مرکزی که برای مهارت آموزی نوجوانان تأسیس گردید و در توسعه شهری و تحولات اجتماعی سیاسی آبادان و صنعت نفت ایران نقشی مهم ایفا کرد.
کارآموزان هم در تعمیر واحدهای پالایشگاه کاری سترگی کردند و هم در توسعه شهری میراث با ارزشی بجا گذاشتند و هم در راه‌اندازی پالایشگاه های کشور، با همکاری مهندسان دانشکده نفت آبادان، در پیش و پس از انقلاب سهمی بزرگ داشتند. نمونه بارز آن، راه‌اندازی پالایشگاه تبریز و اصفهان است.
مهندسان، افزارمندان و کارگران ماهر پالایشگاه در اغلب پروژه های توسعه شهری آبادان حضور داشتند و یاری رسان مدیران شهری در مراحل و پروژه های مختلف بودند؛ از نقشه برداری و تهیه نقشه تفصیلی تا گسترش روشنایی کفیشه و احمدآباد و فاضلاب شهری.

در شماره های آینده به آموزشگاه فنی (دانشکده نفت)، آموزشگاه پرستاری، دبیرستان‌های رازی و فرخی، کانون بانوان، انجمن عکاسی، انجمن تمبر، گروه های تئاتر، مکتب ادبی جنوب، حسینیه اصفهانی ها، مسجد بهبهانی ها، حوزه علمیه و روزنامه ها می پردازیم.

در پایان از پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ و توسعه آبادان دعوت به همکاری می کنیم؛ افتخار بزرگی است پیشکسوتان شهری ما را یاری دهند، خاطرات شخصی و روایت خود از رویدادهای گذشته را برای مشعل آبادان ارسال کنند.

مسعود فروزنده



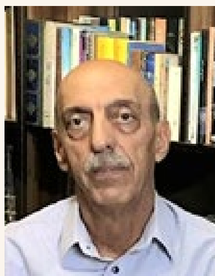
آموزشگاه کارآموزان (حرفه‌ای)



در مجلس جشنی که در شبانه‌روزی شرکت نفت آبادان با افتخار قهرمانان ورزش تشکیل شد آقای مک کوین جام‌ها و مدال‌ها را بین تیم‌های برنده توزیع نمود.
سمت راست آقای کیفام کاپیتان تیم کارگاه کارآموزان آبادان قبل از دریافت جام با آقای مک کوین دست می‌دهد.



تیم برنده مسابقات اتحادیه فوتبال کارآموزان آبادان، سال ۱۳۲۷ خورشیدی



حاصل آموزشی کارآموزان

نویسنده: عبدالعلی لهسائی زاده*

دکترای جامعه‌شناسی، استاد دانشگاه شیراز

آبادان نخستین شهر صنعتی مدرن ایران مبتنی بر صنعت نفت در یکصد سال پیش بوجود آمد. پالایشگاه نفت در آبادان تأسیس شد و نیروی کار عظیمی را می‌بایستی حذب می‌کرد. نیروی کار صنعت نفت به طور کلی و پالایشگاه به طور اخص در سه رده‌ی مدیریت، کارشناسان و کارگران ساده باید مهیا می‌شد. در مراحل اولیه، نیروی مدیریتی از انگلستان به استخدام صنعت نفت در آمد.

نیروی کارشناسی از هندوستان و برمه به ایران آورده شد. نیروی کارگری ساده از شهرهای مختلف ایران به استخدام صنعت نفت در آمد. پس از بر پاداری پالایشگاه نفت و تأسیسات وابسته، مسأله‌ی آموزش نیروی انسانی پیش آمد. نیروی کار غیر ماهر و خام، برای تبدیل شدن به سرمایه‌ی انسانی، مثل هر سرمایه‌ی دیگر، نیازمند یک انباشت و سرمایه گذاری اولیه و سپس نگهداری و استفاده‌ی دایم است. به دست آوردن و نگهداری این نیروی کار، مستلزم هزینه‌های سنگینی بوده است. به همین لحاظ شرکت نفت می‌بایستی نیروی کار لازم برای پالایشگاه و دیگر

---

* دکترای جامعه شناسی، نویسنده کتاب جامعه شناسی آبادان

تأسیسات خود را تعلیم و تربیت می‌نمود. برای رسیدن به این هدف سه موسسه‌ی آموزشی می‌بایستی تأسیس می‌شد تا در دراز مدت نیاز به نیروهای انسانی برطرف شود. لذا شرکت نفت اقدام به تأسیس "دانشکده‌ی نفت" برای تأمین نیروی متخصص فنی رده بالا نمود. سپس "هنرستان صنعتی" در رشته‌های بازرگانی وفنی تأسیس شد تا نیروی مدیریت اداری وفنی واحدها تأمین شود. بالاخره "آموزشگاه حرفه‌ای (کار آموزان)" بوجود آمد که در واقع نیروی انسانی اسکلت صنعت نفت را می‌بایستی تأمین می‌کرد. در رابطه با آموزشگاه حرفه‌ای، دانش آموزانی که دارای گواهینامه پایان سال ششم ابتدایی بودند پس از شرکت در امتحانات ورودی و موفقیت در این آموزشگاه نام نویسی می‌کردند. برنامه‌ی این آموزشگاه طی پنج سال و در دو قسمت اجرا می‌شد. سه سال اول دانش آموزان در آموزشگاه به فراگرفتن اصول امور فنی و هم چنین تعلیمات علمی در کلاس می‌پرداختند و پس از موفقیت در امتحانات مربوطه در ادارات صنعت نفت به موجب برآورد احتیاجات شروع به کار آموزی می‌نمودند و پس از طی دو سال دوره آموزش ممکن بود در صورت احتیاج به استخدام صنعت نفت درآیند. گواهینامه‌ای که پس از سه سال اول تحصیل به دانش آموزان داده می‌شد معادل سیکل اول متوسطه بود. هر کارآموزی در بدو ورود به دوره‌ی افزارمندی یک "دفترچه راهنمای شاگردان فنی شرکت نفت انگلیس و ایران" را دریافت می‌کرد که در صفحه‌ی پشت جلد مشخصات کارآموز قید شده بود.

صفحه یک تا هفت اختصاص به توصیه‌های کارآموزی داشت. از صفحه‌ی هشت تا ۱۱ دانستنی‌هایی که یک

کارآموز باید در مورد وظایف خود می‌دانست قرار داشت. از صفحه ۱۲ تا ۱۳ مقررات مرخصی قید شده بود. صفحات ۱۴ و ۱۵دستور العمل‌های سودمند هنگام کار نوشته شده بود. در صفحات ۱۶ و ۱۷ باچند بیت شعر فارسی کار آموز را به تندرستی و کار و کوشش دعوت می‌نمود. از سمت چپ دفترچه یا راهنما به انگلیسی، ابتدا عکس کارآموز، سپس ویژگی‌های وی به انگلیسی قید شده بود. در صفحات سه و چهار تجربیات عملی به طور مجزا برای هر سال متوالی ثبت می‌شد.صفحه‌ی پنج ردیف‌های افزایش دستمزد کارآموز را نشان می‌داد. صفحه شش ثبت وضعیت دروس انگلیسی، ریاضیات، دانش فنی، نقشه کشی و علوم را نشان می‌داد، در صفحه هفت وضعیت کلاس‌های شبانه را در مدت پنج سال کارآموزی نشان می‌داد. صفحات هشت و نه مقررات و جدول ثبت غیبت کار آموز درج می‌شد. صفحه ۱۰ مخصوص اخراج کارآموز بود. درهمین صفحه وضعیت اضافه کاری قید می‌شد. در صفحه ۱۱ مقررات مربوط به پیشرفت کارآموز خارج از نظام شرکت نفت قرار داشت. و بالاخره در صفحه‌ی ۱۲ تاریخ تحویل لباس کار به کار آموز و نهایتاً اگر جایزه‌ای دریافت می‌کرد ثبت می‌شد. هر شش ماه یک دست لباس کار به کارآموزتحویل داده می‌شد

افزارمندان از همان ابتدا یکی از شاخه‌های تخصصی زیر را انتخاب می‌کردند: تراشکاری، برق، مکانیک، لوله کشی، ابزار دقیق و مخابرات. قبل از ورود به این دوره‌ها می‌بایستی دوره‌های کوتاه مدت سوهان کاری، اره کاری و گونیا کردن را فرا می‌گرفتند. روزها در آموزشگاه بودند و بعد از ظهرها به کلاس‌های علمی‌می‌رفتند. در مدت کار آموزی در شبانه روزی به سر می‌بردند که غذا

و تمام امکانات استراحت و تفریح در آن فراهم بود و به این محل "هاستیل" (Hostel) می‌گفتند. در مدت پنج سال کارآموزی خود، دستمزد دریافت می‌کردند. مسأله‌ی تشویق و تنبیه کاملاً در طول پنج سال به اجرا در می‌آمد. فارغ التحصیلان آموزشگاه حرفه‌ای پس از سال‌ها خدمت در صنعت نفت و طی نمودن پلکان ترقی، به مرحله‌ی بازنشستگی می‌رسیدند. بسیاری از آن‌ها پس از بازنشستگی در شرکت‌های پیمانکاری که بعضاً توسط کارکنان سابق شرکت نفت بوجود آمده بودند، به کار گرفته می‌شدند و از تجربیات ارزشمند چند ساله درصنعت نفت استفاده می‌کردند و مجدّداً به شکلی دیگر به خدمات خود ادامه می‌دادند. بوجود آمدن عدم وابستگی صنعت نفت ایران به نیروهای متخصص خارجی پس از نیم قرن نمایان شد که یکی از پایه‌های اصلی آن حضور همین فارغ التحصیلان آموزشگاه حرفه‌ای آبادان بود. ساختار آموزشی این آموزشگاه می‌تواند الگوی مناسبی برای تربیت نیروهای تکنسین در دیگر شاخه‌های صنعتی ایران باشد. حتی وزارت کار باید برای آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای خود از الگوی جامع "آموزشگاه حرفه‌ای" شرکت نفت استفاده کند.



تیم کارگر سال ۵۴ _ ایستاده از راست: مرحوم هوشنگ کوهستانی، رمضان احمد پور، علی احمدی خرم، حسن دشتی، مرحوم ناجی یلوی، شهید جمشید پرچی زاده، میرزایی
نشسته از راست: حبیب لوینیان، مرحوم عبد مصیب، خسرو حسنیان، حبیب کارجو، اصغر فخرآبادی، غلامعلی میرافضل



تیم کارآموزان برنده لیگ تیم‌های پالایشگاه آبادان. خاطرات کمی‌از تیم‌های دهه ۱۳۲۰ در تاریخ مکتوب و شفاهی در دسترس است.



تیم کار اموزان سال ۱۳۴۲ ایستاده از راست: زنده یاد عبدالله شمسایی، بختیار محمدی ، خلف فرجی دشت، تنگستانی، احمد امدادی، مقصودیان، نشسته: بنی سعید، براتی، تاجیک، ابراهیم عطاری، علی عباسی.



تعطیلی آموزشگاه کارآموزان

نویسنده: محمدرضا خدری*

جنگ که تمام شد بازسازی پالایشگاه آبادان به زیر دستان مردان قدرتمند رفت و فیدوس به صدا درامد. آموزشگاه فنی حرفه‌ای تر وتمیز شد، دانش آموزان از سراسر ایران به آبادان آمدند، کلاس‌ها رونق گرفت و شر و شور نوجوانی وزیدن گرفت. مثل اینکه آبادان زنده شد. یک روز خبر آمد تعطیل شد. به همین سادگی، تمام. در زمان تعطیلی چندین مرتبه به اموزشگاه سر زدم میدیدم هر روز خراب تر از دیروز میشه.

محیط بیرونی آن تاریک و متروکه بود، چند مرتبه دزدها به سراغش آمدند یک چیزهای مثلا ابزار کوچک دم دستی و سبک را بردند.

یک مرتبه که رفتم سر بزنم نگهبان را صدا کردم ابتدا اطراف ساختمان را وارسی کردم. زیر نور خورشید سکوت مرگبار به گوشم خورد. نگاهی به نگهبان کردم اثری از وحشت در او ندیدم. عادت کرده بود. شاید چند سال دیگه اینجا بمونه چون مرده‌ای متحرک بشه. وارد محوطه داخل آموزشگاه شدم، خیلی تاریک بود. نور چراغ قوه به سقف خورد حرکت شبکه تارعنکبوتی نظرم را جلب کرد. داشتم محاسبه می‌کردم چند عنکبوت اون

*- مدیر پیشین حراست پالایشگاه آبادان، عضو هیئت نویسندگان مشعل آبادان، کارشناس ارشد مدیریت

بالا را اشغال کردند که صدای ویس ویسی گوشم را متوجه گوشه کلاس درس کرد. چند موش اون گوشه ویراژ می‌رفتند.

چند اثر روی صفحه میز دیدم از پنجه گربه بزرگتر بود از پای آدم کوچکتر. نور چراغ را متمرکز کردم. گرده خاک بخش‌هایی از جای پا را محو کرده بود. خوب شد به گربه‌ها فحشی ندادم.

به یکی از کلاس‌ها وارد شدم مقداری وسایل کار و قالب‌های چوبی ریخته گری را دیدم که روی زمین افتاده بود، زیر خاک غربت محو شده بودند.

متاثر شدم. آمدم بیرون. نگهبان گزارش می‌داد من توی خاطرات اون نوجوان‌ها غرق بودم.

از فردای اون روز به هرکس میگفتم بالاخره وضعیت اینجا چگونه میشه؟کسی محل نداشت!.

حالا پس از سال‌ها که میخواهم برای مشعل آبادان بنویسم، قلم در دستم بی حرکت مانده. چه بنویسم...!! عامل تعطیلی کارآموزان را نفرین نمیکنم ولی از خودم میپرسیم چرا مرکز آموزش تعطیل شد؟!

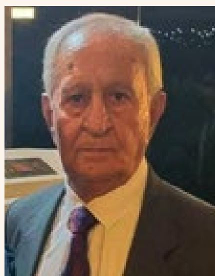
چرا کار آموزانی که با عشق و علاقه دروس فنی را بصورت تئوری و عملی میخونδن تا به کشورشان خدمت کنند از این برکت محروم شدند؟! شاید جای دیگه یک آموزشگاه دیگه تعطیل شده باشه و منتظر یک دست قدرتمنده.

تصویری به یاد ماندنی از کاراموزان و مربیان اموزشگاه کارآموزان آبادان در سال ۱۳۵۱

کارآموزان دهه ۱۳۵۰ خورشیدی روایت‌گران اصلی هویت آبادان در سال‌های اخیر هستند و نقش مهمی در باز ساخت تاریخ آبادان ایفا می‌کنند. صدها تصویر و صدا و خاطره از آنان در فضای مجازی منتشر شده است و بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی دیده می‌شوند. عکس منتخب نشریه مشعل آبادان تصویر منحصربه فرد پائین در سال سال ۱۳۵۱ است که مربیان و کارآموزان آموزشگاه را کنار هم نشان می‌دهد.



تصویری به یاد ماندنی از مربیان و کار آموزان آموزشگاه حرفه‌ای آبادان در سال ۱۳۵۱. مربیان ایستاده از راست: عزیز الله شیروانی، رضا دهقان، کریم زمانی خانی، احمد بیداریان، حاج بابا دهقان، فاروق فتاحی .
کارآموزان نشسته از راست: نصرالله نوروزی، پرویز چاووشیان، هدایت حاج صادقی، هوشنگ چهارلنگ، اصغر غلامی .



کارآموزان آبادان، خدمات و رنج‌ها

نویسنده: صفر آریا*

مقدمه

استاد «صفر آریا» یکی از کارآموزان قدیمی و برجسته آموزشگاه کارآموزان آبادان است که به دلیل تلاش‌های مداوم خویش، مراحل ترقی شغلی را پس از کارآموزی، کارگر فنی عملیاتی و کارمندی عملیات پالایش و ریاست اتاق کنترل واحدهای مهم و مختلف پالایشگاه و کسب تجارب فراوان پالایشی تا ریاست عملیات نوبتکاری پالایشگاه طی کرد. متن پائین پاسخ صفر آریا درباره تاریخ آموزشگاه حرفه‌ای آبادان و تاثیر آن در مهارت آموزی، تربیت نیروهای متخصص فنی، مزایای آن و در نهایت نتایج منفی تعطیلی آموزشگاه است که تقدیم خوانندگان محترم نشریه «مشعل آبادان» می‌گردد.

قبل از هر چیز لازم به یادآوری است که این یادداشت‌ها اطلاعات شخصی بنده و ناشی از مطالعه اسناد و مدارک، نقل قول‌ها، خاطرات و تجاربی است که طی گذرندان ۴۴ سال خدمت درصنعت نفت از کارآموزی تا رئیس عملیات نوبت‌کاری و مدیریت شرکت نفت پاسارگاد آبادان بدست آورده‌ام که بدون شک خالی از اشکال و ابهام نیست که

* مدیر پیشین نوبتکاری پالایشگاه آبادان

هرگونه نقد، اصلاح و رهنمود موجب تشکر و امتنان خواهد شد.

نقش عظیمی که در جنگ دوم جهانی پالایشگاه آبادان در رساندن سوخت به ماشین‌های جنگی و وجود اروند رود (شط العرب آنزمان) در حمل و نقل دریایی جهت برآورد نیرو و تجهیزات جنگی متفقین ایفا کرد انگیزه ساز حریصانه کارتل‌های نفتی و سرمایه داران کلان غربی با توجه به صنعتی شدن رو به رشد و جهشی جهان و سود آوری تصاعدی نفت خام ارزان و فرآورده‌های نفتی و موقعیت خاص جغرافیایی در اختلاف سطح با مناطق مرتفع نفت‌خیز جنوب گردید تا پالایشگاه آبادان توسعه و به بزرگترین پالایشگاه جهان تبدیل شود (بالا بودن و ارتفاع مناطق نفتخیز نسبت به آبادان کنار دریا موجب تسهیل در رساندن خوراک نفت خام تا ۶۲۰ هزاری بشکه در شبانه روز و کمترین هزینه نقل و انتقال گردید).

طرح توسعه پالایشگاه آبادان و ساخت و ساز واحدهای تقطیر، تبدیل و تصفیه و سرویس‌های وابسته آب و برق و بخار نیازمند مدیریت علمی، برنامه‌ریزی دقیق و آمار پرسنلی و جایگزینی نیروی تکنوکرات و تکنسین مدیریت میانی و سرپرستی و کارگران ماهردر جوشکاری، تراشکاری، لوله‌کشی، ابزار دقیق، برق، تلمبه‌ها، انجین‌ها، رانندگان ماشین‌های ساده و ساختمانی بود که بتدریج جانشین پرسنل ساده وخام و کارگران پر هزینه مامور از هندوستان شود. هرچند آموزش و عملکرد فارغ التحصیلان دانشکده نفت وکارخانه کارآموزان زیر نظر مهندسین خارجی مدیریت می‌شد و رئیس کارخانه در سال ۱۳۳۵ که ورودی بنده می‌باشد شخصی هلندی بنام مستروندرمیر و رئیس

پالایشگاه آبادان شخصی انگلیسی بنام مستر کول بود اما پس از ملی شدن صنعت نفت و اخراج خارجی‌ها موجب بسته شدن موقت پالایشگاه گردید راه‌اندازی و اداره مجدد بدست توانای فارغ‌التحصیلان همین دو مجموعه صورت و ازدیاد خوراک و متنوع تر شدن محصولات را نیز پیامد داشت.

آمار و پذیرش تعداد نفرات دانشجو و کارآموز برحسب تعداد نفرات بازنشستگان سالیانه، مرگ و میرهای ناشی از تصادفات و بیماری‌ها، نیروی مورد نیاز واحدهای جدید طرح توسعه و درخواست نیروی متخصص اپراتوری وتعمیراتی پالایشگاه‌های در حال ساخت و راه‌اندازی استانی کشور مانند پالایشگاه تهران و گاز بیدبلند با ارائه لیست کامل اداره کل آموزش و از طریق امتحان کتبی، مصاحبه حضوری وچک آپ سلامتی جسمی و روانی در بیمارستان شرکت نفت صورت می‌گرفت. کارخانه کارآموزان آبادان که اولین و مجهزترین آموزشگاه فنی حرفه‌ای خاورمیانه است با قدمتی ۸۰ ساله در بدو تاسیس و داشتن خوابگاه، هاستل (HOSTEL) نامگذاری شد در طی زمان با نام‌های ترپنینگ شاپ (TRAINING SHOP)، آموزشگاه فنی حرفه‌ای آموزشگاه شهید آذرپیکان و امروز متاسفانه بجای بروزرسانی و تجهیز تکنولوژی رایج صنایع نفت و گاز و پتروشیمی‌و آموزش نوجوانان محروم خانواده‌های جنگ‌زده و سختی کشیده آبادانی در تأمین نیروی آموزش دیده مورد نیاز پالایشگاه آبادان و حتی کل صنایع نفت فعال کشور با توجه به موجودیت سوله مرتفع، ساختمان و دفاتر، میز و گیره ماشین‌های تراش ومته، آب وبرق و اساتید مجرب بازنشسته به موزه‌ای خاموش و

انحصاری همچون تئاتری بدون کارگردان و هنرپیشه تبدیل شده است که به عقیده من خیانتی بزرگ محسوب و هیچ پیمانکاری شایسته‌گی، توان و علم و دانش مدیریت چنین آموزشگاه و پرورشگاهی را ندارد.

تدوین مقررات در نظم و نظام و امتیاز دهی میزان هوش و ذکارت با اندازه گیری دقیق ابعاد وزمان نقشه کار تحویلی کارآموز و نشان علائم مهره‌ای قرمز، سبز، آبی وزرد که معرف امتیاز عالی، خوب، متوسط وضعیف بود و در دروس کتبی رسم فنی، زبان، ایمنی و ابزار شناسی با نمره صفر تا صد در پرونده فرد ثبت و ضبط می‌گردید. آغاز دوره پنجساله کار آموزی که ۲ سال در کارخانه و ۳ سال در پالایشگاه بود و بعد به ۳ سال در کارخانه و ۲ سال در پالایشگاه تغییر یافت با شروع ۴ ماه تعلیم مقدمات اولیه (BASIC) ابزارشناسی و ساخت و ساز ۱۶ نقشه آهنی با سوهانکاری، قلم و چکش‌کاری، اره‌کشی، مته‌کاری، با دقت اندازه‌گیری خط کش،کولیس، میکرومتروکالیپر زیرنظرمستمر اساتید مجرب و مهربان با ۴ روز کار عملی و ۲روز کلاس علمی‌زبان، ایمنی رسم فنی، ابزارشناسی، شناخت انجین و تلمبه خاتمه می‌یافت.

امتیازدهی در ۱۶ نقشه تکمیلی با علائم دکمه‌های قرمز، سبز، آبی و زرد درجلو شماره کارآموز صاحب کار به نشان عالی، خوب، متوسط و ضعیف روی تابلوئی (BOARD) به نمایش در می‌آمد و امتیاز دهی دروس کلاس نیز پس از اخذ نتیجه امتحان کتبی بانمرات صفرتا صد در پرونده پرسنلی افراد ثبت می‌شد. پس از خاتمه دوره ۴ ماهه مقدمات (BASIC) نفرات با توجه به میزان ظرفیت پذیرش به صورت گروهی و گردشی به قسمت‌های تراشکاری،

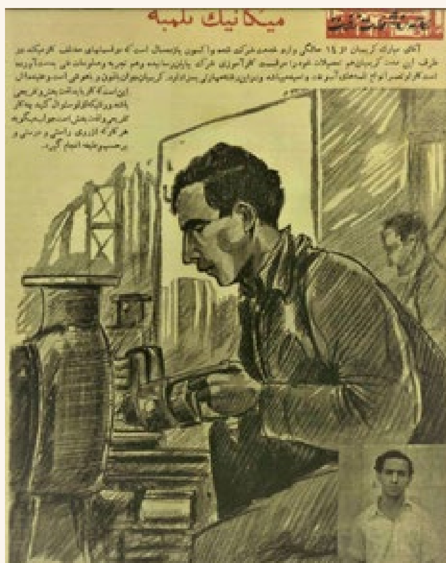
انجین تلمبه، لوله‌کشی، ابزار دقیق و برق تقسیم و تا پایان دوره ۲ ساله آموزش می‌دیدند. لازم بذکر است در فرآیند این آموزش‌ها علاقه‌مندی و استعدادسنجی هر کارآموز نیز با نمرات و امتیازات علمی‌و عملی مأخوذه در بخش‌های مختلف بدست می‌آمد. کارآموزی که در تراشکاری صاحب ۵۰ امتیاز از صد شده بود در انجین ۹۵ امتیاز داشته عمق و علاقه و توان خود را در انجین به نمایش گذاشته است که برای آموزش عملی ۳ سال باقیمانده دوره پنج‌ساله به قسمت تعمیرات انجین واحد عظیم حمل ونقل پالایشگاه معرفی و نهایتاً از اساتید مجرب و بنام کارگاه تعمیرات انجین ماشین‌های سبک و سنگین اداره حمل و نقل پالایشگاه آبادان نمایان می‌شد. جا دارد از دوست صمیمی و بزرگوارم مرحوم غلامرضا کوزه گر کارآموزی که پس از چرخش و کار در تمام قسمت‌های کارگاه مرکزی پالایشگاه در پست مهم ریاست کل این تعمیرگاه عظیم و نمونه خاورمیانه بازنشسته شد یادی کرده باشم، روانش شاد.

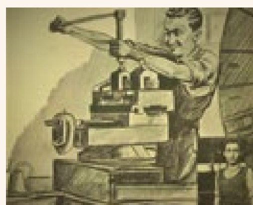
یکی از بزرگترین اشتباهات وی ا ظلم نمودن اداره آموزش پالایشگاه آبادان در مورد کارآموزان آبادان بعد از ۵ سال هزینه آموزشی، نیروی معلم و صدور مدارک مهر و امضاء شده روسای کل آموزشی مدیریت ۲ ساله و۵ ساله این بود که هیچگونه تطابق یا معادل مدرک رسمی‌دولتی حتی سیکل کلاس سوم دبیرستانی ارزیابی نمی‌کرد و کار آموز ۱۵ ساله کلاس ششم ورودی به آموزشگاه در ۲۰ سالگی و فارغ التحصیلی ۵ ساله را در سطح کارگر ساده کلاس ششمی‌رتبه وطبقه بندی می‌کرد در حالیکه می‌توانست با نظارت و بازرسی آموزش و پرورش سطح این مدارک معتبر را دقیقا ارزیابی و همسان سازی کند. مضافاً اینکه این کارآموز

جوان فارغ التحصیل ۵ ساله که اکنون ۲۰ ساله شده است مشمول خدمت نظام وظیفه شده و با اخراج اجباری از کار باید به سربازی اعزام و۲ سال هم با درجه صفرسربازی در خدمت ارتش شاهنشاهی عمر بگذراند. این ظلم نابخشودنی اداره آموزش موجب شد کارآموزانی که دوره پنج ساله فنی حرفه‌ای را سپری و اکثرا مسئولیت سنگین اپراتوری واحدهای کاتالیستی عهده‌دار بودند برای اخذ دیپلم دولتی که تأثیری هم در عملیات فرآیندی نداشت در کلاس‌های شبانه از اول دبیرستان تا ششم دبیرستان و بمدت ۶ سال درس بخوانند و در صورت قبول ارتقا و به کارمندی مجدداً امتحان کتبی و مصاحبه شفاهی را در پیش داشت.

تبلیغات شرکتی برای خنثی سازی جنبش کارگری

اعتصاب بزرگ تیر ماه ۱۳۲۵ خورشیدی برابر با ژولای ۱۹۴۶ میلادی بزرگترین اعتصاب کارگری در خاورمیانه بود. شرکت برای خنثی کردن جنبش اعتراضی کارگران به راهبردهای مختلف دست زد. از یک سو به تنبیه شغلی و مالی و اخراج کارگران اقدام کرد و از سوی دیگر سطح رفاه را افزایش داد و به موازات این دو راهبرد، سیاست تبلیغی فرهنگی خود را متحول ساخت و با شرح افتخارگونه از زندگی کارگران تلاش کرد آنان را به سوی خود متمایل سازد. چند روزنامه و نشریه تأسیس کرد و فعالیت انجمن‌های هنری، فرهنگی و تیم‌های ورزشی را ارتقا داد. برای تبلیغات و فرهنگ از برخی هواداران چپ و به ویژه حزب توده بهره برد. شماری از نویسندگان و مترجمان و هنرمندان به استخدام دراورد. ابراهیم گلستان در اداره تبلیغات یکی ار مدیر کارشناس‌ها بود که نشریه اخبار هفته را به طور منظم منتشر می‌کرد.











انجمن نمایش باشگاه کارگران یک نمایش کمدی در اردیبهشت ۱۳۲۷ در سینما تئاتر تاج اجرا کردند.

تصویر بالا پایان یک نمایش کارگری را نشان می‌دهد. انجمن نمایش باشگاه کارگران آبادان یک نمایش کمدی در اردیبهشت ۱۳۲۷ در سینما تاتر تاج اجرا کرد. دست گشاده شرکت نفت انگلیس ایران برای پر کردن اوقات فراغت کارگران با هدف سیاسی بود. این تحلیل بدبینانه یا

مغرضانه نیست اسناد آرشیوی ان را اثبات می‌کند. شرکت با راه‌اندازی چند گروه نمایش و موسیقی تلاش داشت یکی از تاکتیک‌های گروه‌های چپ در عرصه هنر را خنثی سازد. یادمان باشد سال‌ها پیشتر، کارگران سندیکالیست در اعتصاب اردیبهشت سال ۱۳۰۸ از تاکتیک‌های هنری مانند نمایش و موسیقی برای انسجام تشکیلاتی سود می‌جستند. حتی دستگیری گروه ۵۳ نفره (موسوم به حزب کمونیست ایران) در سال ۱۳۱۵ از آبادان شروع شد. هنگاهی که محمد شورشیان یکی از اعضای گروه ۵۳ نفره به آبادان آمد و قصد راه‌اندازی یک گروه تاتر کرد و پلیس آبادان به او مظنون شد و به دستگیری اش انجامید و باقی ماجرا را می‌توان در خاطرات ایرج اسکندری، انور خامه‌ای، افتخاری، اردشیر آوانسیان پی گرفت.



تاریخچه و شکل گیری موزه کاراموزان آبادان

نویسنده: سعیده یاری*

این مکان باارزش و خاطره انگیز که در حال حاضر به عنوان موزه‌ی کارآموزان صنعت نفت فعال می‌باشد در واقع به عنوان اولین مرکز آموزش کارآموزی پیش از استخدام برای تعلیم کارگر ماهر مورد نیاز پالایشگاه و شرکت نفت راه‌اندازی شد فعالیت خود را در سال ۱۳۱۲ خورشیدی با نام Apprentice Training Shop آغاز کرده است. سال بعد در محوطه آموزشگاه ماکت چهل متری پالایشگاه به منظور آموزش فرایند پالایش به کاراموزان ساخته شد که در حال حاضر فقط باقی مانده آن در محوطه موزه موجود است. دوره‌های آموزشی در این آموزشگاه در ابتدا پنج ساله و سپس با تغییر سیستم آموزشی چهارساله شد. در دوره اول سه سال و در دوره‌های بعد دو سال در آموزشگاه و باقی دوره در پالایشگاه و بعدها در عملیات غیر صنعتی گذرانده میشد و با توجه به نیاز پالایشگاه و توسعه‌ی آن چهار رشته‌ی برق، مکانیک، ابزار دقیق و فرآیند پالایش به رشته‌های اصلی آموزشی آموزشگاه تبدیل شدند. فرآیند جذب کارآموز از طریق آزمون ورودی انجام می‌گرفت و

---

* کارشناس ارشد موزه کاراموزان آبادان

با توجه به شرایط موجود در سال ۱۳۵۶ جذب کارآموز متوقف شد. پس از پایان دوران دفاع مقدس آموزشگاه به عنوان یکی از نمادهای شهر دوباره کار خود را آغاز کرد و کمتر از ده دوره کارآموز جذب کرد و در نهایت در سال ۱۳۷۹ به کار خود پایان داد. این آموزشگاه در سال ۱۳۹۲ به عنوان بخشی از طرح موزه‌های صنعت نفت در دستور کار قرار گرفت و موزه کاراموزان آبادان در تاریخ بیست و پنجم دی ماه ۱۳۹۷ رسما افتتاح شد.

اهداف موزه

- ارتقاء سطح دانش و آگاهی عمومی در ارتباط با ویژگی، عملکرد و آثار صنعت نفت و تاثیر آن بر جوانب گوناگون توسعه به ویژه در بخش آموزش نظری و عملی
- جمع آوری، ارائه و مطالعه اشیاء، اسناد و محتوای مرتبط با صنعت نفت
- معرفی نقش و جایگاه آموزش و آموزشگاه در صنعت نفت

بخش‌های مختلف موزه

موزه کاراموزان با مساحت دوازده هزار متر مربع دارای سه بخش اتاق‌های پنجگانه، کارگاه‌های آموزش و محوطه می‌باشد:

- **اتاق‌های پنجگانه**

شامل پنج اتاق است که پیش از این به واحد اداری آموزشگاه اختصاص داشت و در حال حاضر مجموعه‌ای را تشکیل میدهد که داستان موزه را در تطابق با فعالیت‌های صنعت نفت و تاریخ ایران و جهان روایت میکند. اتاق‌های شماره یک و دو <گاه نگار> نامیده شده‌اند و تاریخ ایران و جهان از دیدگاه صنعت در شش خط زمانی مورد بررسی

قرار گرفته و به تاریخ آبادان، آموزش و آموزشگاه نیز پرداخته شده است. در کنار این خطوط ویترین‌هایی برای نمایش اسناد و اشیاء مرتبط با این رویدادها تعبیه شده است. در اتاق شماره سه (اتاق آموزش) اهمیت و تنوع آموزشی در آموزشگاه به شکل یک کلاس درس با تخته سیاه و نیمکت‌های یک کلاس درس به تصویر کشیده شده است. در اتاق چهارم (اتاق کارآموزان) اسامی و عکس‌ها مطابق با سال ورود دانش آموزان به آموزشگاه در کنار سایر اسناد مربوطه به نمایش گذاشته شده است. اتاق شماره پنج که در زمان فعالیت آموزشگاه به مدیر آن اختصاص داشته با حفظ همان حال و هوا به نمایش مجموعه‌ای از اسناد و اشیاء مرتبط با اداره آموزشگاه پرداخته است.

• کارگاه‌های آموزشی سالن کارگاه‌ها با مساحت ۴۳۷۶ مترمربع شامل کارگاه‌های مختلف آموزشگاه می‌باشد:

- کارگاه مقدماتی یا پایه
- کارگاه لوله و مبدل
- کارگاه نجاری
- کارگاه ابزار دقیق
- کارگاه تراشکاری
- کارگاه موتورهای درونسوز
- کارگاه فلزکاری
- کارگاه برق

در هر کدام از این کارگاه‌ها ابزار و مواد مورد استفاده برای آموزش کامل هر رشته در معرض دید قرار گرفته است. بخش مرتفع سالن با ارتفاع نزدیک به دوازده متر در دهه‌ی

بیست با توجه به نیاز پالایشگاه برای گسترش رشته‌های آموزشی در آموزشگاه ساخته شد و شیشه‌های ترکش خورده از زمان جنگ آن مرمت شده و حفظ شده‌اند.

- محوطه

در محوطه موزه عناصر نمایشی و خدماتی متنوعی وجود دارد از جمله دیگ بخار، بقایای ماکت پالایشگاه، مجموعه شیرهای صنعتی، جایگاه استند دوچرخه، استند بشکه‌ها، اتوبوس نقاشی و زمین بازی کودکان

عملکرد وظایف

به لحاظ حائز اهمیت بودن بعد آموزشی سابق این آموزشگاه، موزه تلاش دارد با حفظ این نقش مهم ارتباط با بخش آموزش را تداوم بخشد لذا دعوت از بخش آموزشی در سطوح مختلف برای بازدید از موزه بطور مرتب و منظم انجام می‌گیرد. اجرای مراسم متناسب با موضوع موزه در مناسبت‌های مختلف و انتخاب فعالیت‌های مرتبط با آموزش بخش دیگری از فعالیت‌های موزه را تشکیل میدهد. برگزاری کلاس‌های مختلف آموزشی در رشته‌هایی که با شرایط فعلی موزه امکانپذیر است از دیگر فعالیت‌ها به جهت احیا کردن نقش آموزشی موزه من جمله کلاس‌های عکاسی و کتابخوانی می‌باشد.

تصاویری از موزه کارآموزان آبادان







تصاویری از موزه کارآموزان آبادان





تصاویری از موزه کارآموزان آبادان





تصاویری از موزه کارآموزان آبادان



تصویر بالا کتاب‌های آموزشی دهه ۱۳۵۰ که در آموزشگاه کارآموزان آبادان تدریس می‌شد را نشان می‌دهد.
مکان: (کواترا) کوی کارگر آبادان.
موزه کاراموزان ـ آبادان خیابان دهداری مقابل ورزشگاه.



در موزه کاراموزان آبادان نقشه‌های قدیمی‌شهر آبادان در دسترس بازدیدکنندگان قرار گرفته است. نقشه‌ای که در بالا مشاهده می‌شود وضعیت توسعه شهر و پالایشگاه در دهه ۱۳۲۰ را نشان می‌دهد.

تصاویری از موزه کارآموزان آبادان

۱۳۴۱ - ۱۳۴۲








































تصویر پرسنلی دانش‌آموزان سال تحصیلی ۱۳۴۲ _ ۱۳۴۱ در موزه کاراموزان آبادان.

تصاویری از موزه کارآموزان آبادان



آلبوم عکس‌های پرسنلی کارآموزان در موزه کاراموزان آبادان در تابلوهای بزرگ درج شده است. تصاویر دانش آموزان سال تحصیلی ۱۳۴۴ _ ۱۳۴۵ دیده می‌شود. هر جا هستند سلامت باشند و یادشان را گرامی می‌داریم.



ورزش کارآموزان

نویسنده: غلامعلی میر افضل *

خاطرات دوران کار آموزی وجوانی بسیار زیاد است، آن هم در ورزش اما آنچه که برای من همیشه در خاطرم خواهد ماند و ارزش داشته وخواهد داشت،سوای نقش واهمیت آموزشگاه حرفه‌ای در آموزش فنی وصنعتی،درزمینه‌های مختلف،داشتن آکادمی‌ورزش فوتبال بودکه ما نوجوانان آن روز را پرورش و آموزش می‌داد که بعدها به تیم‌های بزرگی مثل تیم کارگر وصنعت نفت آبادان پیوستیم.

آکادمی‌فوتبال همان حلقه مفقوده‌ای ست که این روزها بسیاری از تیم‌های حرفه‌ای باید داشته باشند، درادوار گذشته و پس از تأسیس آموزشگاه حرفه‌ای، ورزش نیزبسیار با اهمیت و جدی مورد حمایت بود و در رشته‌های مختلف همیشه ورزشکاران زبده‌ای را پرورش داده، به ویژه فوتبال که تغذیه کننده وپشتوانه‌ی تیم کارگر آبادان نیز بود.

وجود مربیان بزرگ ودلسوزی چون زنده یادان محمود تکلیف و فاروق فتاحی، فوتبالیست‌های ارزنده و بزرگی چون زنده یاد هوشنگ خواجه‌ای، مظفر زارع، زنده یاد هوشنگ کوهستانی، اسماعیل کشتکار، زنده یادغلامحسین شجاع، زنده یادعلی نکویی، زنده یادعبداله شمسایی،

* کاپیتان تیم فوتبال کارآموزان، عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان صنعت نفت آبادان.

زنده یاد محمود سعی الدینی، اصغر فخر آبادی، حسین رودانی، شهید جمشید پرچی زاده، علی احمدی خرم، حبیب کارجو و بسیاری دیگر را نیز در دامان خود پروراند.
از بدو ورود به آموزشگاه حرفه‌ای، همراه با درس وکار عملی، که می‌توان گفت این آموزشگاه مهم علمی-کاربردی عمل میکرده، ورزش نیز در کنار آنها از اهمیت بسیاری برخوردار بود که نقش مهمی‌برای آینده‌ی یک شاغل در صنعت نفت از نظر جسمانی و روحی روانی در برداشت.
بجز فوتبال در آموزشگاه رشته‌های دیگر ورزشی نیز مورد حمایت و آموزش قرار میگرفتند. شنا که استخرباشگاه آبادان در زمان‌های مناسب در اختیار کار آموزان بود یا والیبال و بسکتبال و کشتي و وزنه برداری و بوکس و تنیس روی میز هم بچه‌های کار آموز فعالیت میکردند و تا قهرمانی پیش می‌رفتند.
توجه به ورزش باعث شده بود که کار آموزان همیشه بانشاط و سرزنده باشند وبا روحیه بهتری کارهای عملی ورشته‌های فنی وصنعتی را می‌آموختند. در زمان مربیگری مرحوم آقای فاروق فتاحی، ایشان از من و بعضی دیگر از دوستان کارآموز خواست که با تیم آموزشگاه فوتبال را ادامه بدهیم لذا با کمال میل قبول کردیم وهمان پیشنهاد موجب رشد و ترقی ما در فوتبال شد. به گونه‌ای که من بعد از آن به عضویت در منتخب جوانان آبادان سپس منتخب جوانان خوزستان به دنبال آن قهرمانی جوانان کشور با تیم خوزستان و در ادامه با تیم کارگر که یکی از تیم‌های پر افتخار آبادان بود و در نهایت در تیم صنعت نفت آبادان بازی می‌کردم.
امروز که پس از سالها به این امور فکر می‌کنم نقش آموزشگاه حرفه‌ای آبادان در تربیت نیروهای ماهر صنعتی و

پـرورش فوتبالیسـت‌های مشـهور و صاحـب نـام، نقشـی بسـیار ارزنـده و قابل ستایش بـوده است که متاسفانه با تعطیل کردن آنجـا هـم تربیـت نیروهـای ماهـر صنعتـی مـورد نیـاز پالایشـگاه وهـم بـه ورزش آبـادان لطمـه‌ای جـدی وجبران ناپذیـر وارد آمد



۱۵ بهمن سالروز آسمانی شدن زنده یاد فرخ (فاروق) فتاحی. دروازه بان، معلم، مربی،گزارشگر.



تصویر نیمه شماتیک از فرآیند تصفیه نفت. موزه کاراموزان آبادان.



کلاس آموزش نظری در محل کارگاه‌های کارآموزان. موزه کاراموزان آبادان.



دستگاه تولید کننده بخار سیار برای مصارف خاص، موزه کاراموزان آبادان.





کارگاه فلز کاری، در این قسمت کارهای مربوط به قطعه سازی و ترمیم قطعات آسیب دیده فلزی در واحدهای صنعتی پالایشگاه آموزش داده می‌شد. موزه کاراموزان آبادان.



بخش تراشکاری یکی از بخش‌های مهم آموزشگاه کار آموزان بود. ماشین آلات صنعتی و تعمیرات آنها به طور عملی و تئوری آموزش داده می‌شد. موزه کارآموزان آبادان.



کارگاه برق، در این کارگاه ابزار وادوات برق صنعتی و انواع کابل‌ها وتعمیرات وسایل برقی و سیم پیچی موتورهای متنوع برقی مورد استفاده در صنعت، آموزش داده می‌شد. موزه کاراموزان آبادان.



کارگاه نجاری. موزه کاراموزان آبادان.

کارگاه های آموزشگاه کارآموزان

بنای سالن کارگاه های آموزشگاه کارآموزان با مساحت ۴۲۷۶ متر مربع از بخش های متعددی تشکیل شده است که در سالهای متمادی در روند توسعه ی آموزشگاه و افزایش تخصص های مورد نیاز پالایشگاه و به منظور آموزش دروس عملی ساخته و ساختمان قدیمی بنا را متفاوت کرده است.

دوره های اولیه را دو کارگاه "تراشکاری" و "ریخته گری" تشکیل داده بود که به دلیل اهمیت تربیت کارآموزان در نحوه ی کار و شکل دهی فلزات، ایجاد شده بودند. بدین منظور بخش قدیمی و آجری بنا در سال ۱۳۱۲ شمسی مقارن با ۱۹۳۳ میلادی ساخته شد که سردر ورودی آن در ضلع شرقی ساختمان قابل مشاهده می باشد. ساختار این ساختمان به صورت سوله با سقف پلیت ساخته شده بود. سپس در سال ۱۳۵۵ شمسی این سقف با ورقه های ایرانیت تعویض گردید. نوع آجر استفاده شده در بنا از آجری موسوم به آجر بغدادی است که در دیگر ساختمان های ساخته شده از سوی انگلیسی ها نمونه های فراوانی از آجرهای یاد شده مشاهده می شود.

بخش مرتفع و تمام فلزی بنا در دهه ی ۱۳۴۰ شمسی با توجه به نیاز پالایشگاه جهت گسترش و الحاق رشته ی مکانیک عمومی به رشته های آموزشگاه ساخته شد، این بخش با ارتفاع ۱۱ متر و ۸۰ سانتی متر، کارگاه های "ماشین های برونسوز"، "درونسوز" و "لوله کشی" را در بر می گرفت.

در دوره های بعد، رشته هایی چون "برق" و "ابزار دقیق" با توجه به نیاز پالایشگاه به دروس کارآموزان اضافه گشت .واحد ابزار دقیق در سال ۱۳۵۴ شمسی با توجه به عدم نیاز پالایشگاه تعطیل و در سال ۱۳۵۵ به درخواست مدیر آموزشگاه آغاجری به آن مکان فرستاده شد.

در دهه ی ۱۳۵۰ شمسی با توجه به اهمیت صنعت جوش، بخش مسقف کارگاه "ریخته گری" و "جوشکاری" و مجهز به تهویه ی قوی به بنای کارگاه اضافه می شود. این بخش در پشت "نقش نیمه شماتیک فرایند پالایش نفت" فعلی قرار دارد. در این کارگاه دو کوره ی مخصوص ریخته گری وجود دارد و در سالهای بعد از انقلاب، اتاقک های مخصوص جوشکاری به آن اضافه گردید.

موزه کارآموزان آبادان



ورودی موزه کارآموزان آبادان. قبل از آنکه به سالن مرکزی وارد شوید می‌توانید تاریخچه کارگاه‌ها را در سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی مطالعه فرمایید، ولی پیشنهاد می‌شود از راهنما درخواست کنید تاریخچه کارگاه‌ها و نحوه آموزش دستگاه‌ها را توضیح دهد.





نمونه‌هایی از دستگاههای ابزاردقیق شیر کنترل جریان و نشان دهنده مقدار جریان مواد نفتی. موزه کاراموزان آبادان.



نمای عمومی‌کارگاه آموزش و ماشین الات وابزار آموزشی. موزه کاراموزان آبادان.



علائم راهنمایی مرتبط با وسایل حمل ونقل. موزه کاراموزان آبادان.





تلفن عمومی‌ضد جرقه (Flame proof) که در واحدهای پالایشگاه بکار برده می‌شد.



موزه کارآموزان آبادان، اتوبوس‌های قدیمی شرکت ملی نفت ایران



تصویری از پایان کلاس کارآموزان، سال ۱۳۲۷

تصاویری قدیمی کارآموزان آبادان

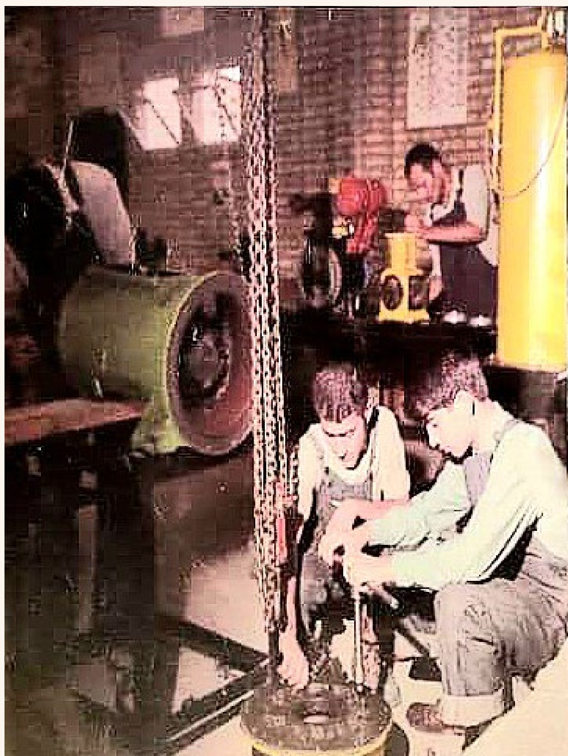


تصاویری قدیمی کارآموزان آبادان

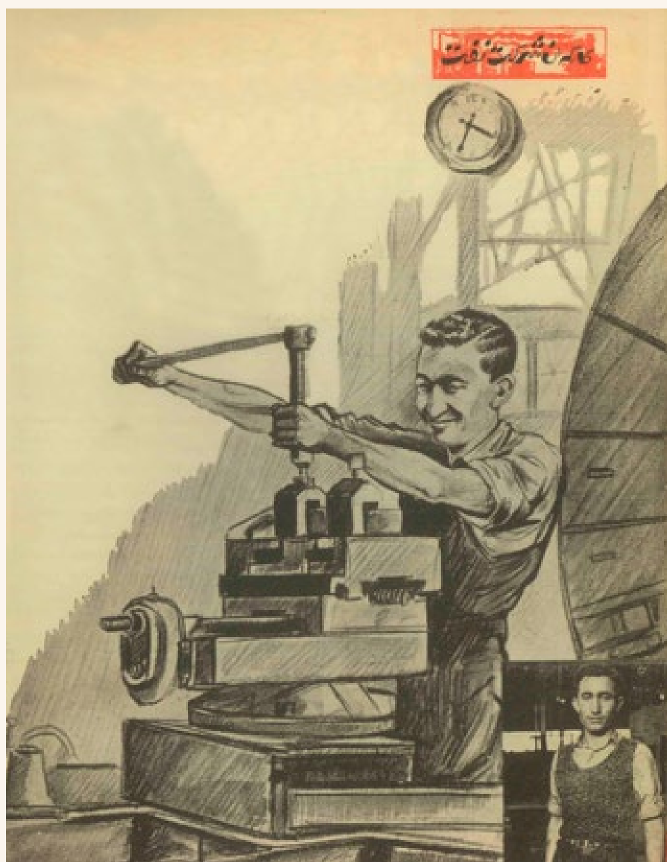




تصاویری قدیمی کارآموزان آبادان

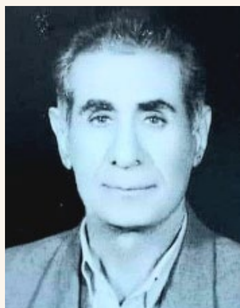






(کارگر ماشین تراش)

آقای یسائی قراخانیان سه سال است که وارد خدمت شرکت شده و در ظرف این مدت هم در کارخانه شاگردان فنی تحصیل کرده و هم کارهای میکانیکی یاد گرفته است. کارخانه شاگردان فنی جهت تربیت کارگران ماهر تاسیس یافته است و هر سال عده‌ای از جوانان وارد آن می‌شوند و در ضمن تحصیل فنی کار را عملاً فرا می‌گیرند و حقوقی به تناسب تحصیلات و سابقه خدمت دریافت می‌دارند برای کسب معلومات عملی اکنون قراخانیان در تعمیرگاه کل شرکت خدمت می‌کند و در آنجا پروانه‌های داخلی تلمبه‌های نفت و میله‌های با تاقان را از برنج و آلومینیوم و سرب و آهن میتراشد . قراخانیان سال سوم کارآموزی خود را تمام کرده و اکنون در مرحله چهارم می‌باشد .



آموزشگاه فنی حرفه‌ای کار آموزان صنعت نفت آبادان

نویسنده: عبدالرضا شجاع الدینی*

ابتدا دوران کارآموزی و اشتغال خودم را شرح می‌دهم. پس از پایان ۲ سال از کارخانه کارآموزان در سال۱۳۳۵ به کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان تخصیص یافتم. پس از کسب دیپلم فنی وریاضی، با گزینش برای گذراندن دوره ابزارهای دقیق به دانشکده نفت رفتم. به مدت بیست سال در واحدهای مختلف اشتغال داشتم. آخرین ده سال را به عنوان مربی و مدرس تا پایان خدمت انجام وظیفه کردم.

لازم می‌دانم به عرض برسانم گروه آموزش پالایشگاه در بازسازی خرابی‌های جنگ و راه‌اندازی واحدها همکاری‌های شایان توجهی داشتند. تا آنجایی که به یاد دارم: آقایان: احمد لک رئیس، زنده یاد دهقان زنده یاد عباس جوهری پور، زنده یادآقای مکی گوبانی. اقایان حافظ اسدی. کرامت محمدی نژاد و فخاری در این مهم مشارکت داشتند.

آموزشگاه فنی حرفه‌ای کار آموزان صنعت نفت آبادان (Artizan School) واقع در منطقه بهمنشیر آبادان در سال ۱۳۱۲ بنا به تعهدات قرارداد دولت ایران و انگلستان (AIoc)

---

*- کاراموز (AMS)، بازنشسته پالایشگاه آبادان.

تاسیس و ایجاد شد. این آموزشگاه نخستین و معتبرترین در خاورمیانه و الگوئی برای آموزشگاه‌های کارودانش (فنی حرفه‌ای) شد. انگلیسی‌ها جوانان خود را جهت آموزش به آنجا می‌فرستادند و با همین آموزش‌ها آشنا می‌شدند. آموزشگاه موصوف نوجوانان ۱۴-۱۶ ساله از شهرهای مختلف ایران با آزمون گزینش می‌کردند.

نوجوانان جهت استعداد فراگیری به مصداق (العلم فی الصغر کان نقش فی الحجر) (علم اموزی در کودکی مانند نقشی است که بر سنگ بتراشند) . انتخاب مناسب و بجایی می‌بود. دوره آموزش ۵ سال، ابتدا ۲ سال در آموزشگاه شامل گذراندن آموزش عمومی: سوهان کاری ساخت قطعات مختلف با سوهان و اره چکش کار و بریدن قطعات، ساخت قطعات ظریف با سوهان و ماشین مته، دوره عمومی ۴ ماه بود.

دوره‌های تخصیص یافته به صورت نظری و علمی تا پایان دوره ۳ ساله آموزشگاه و ۲ ساله پالایشگاه ادامه داشت. پایان دوره ۵ ساله با رتبه ۸ بعنوان استاد کار ارتقا می‌یافتند. مدرک پنج ساله این آموزشگاه اعتبار جهانی داشت. مواد درسی برگرفته از انگلیس با مربیای و مدرسین تحصیل کرده انگلستان که با علم روز آشنا بودنند. بارزترین خصیصه، فارغ التحصیلان آموزشگاه صنعت نفت آبادان، انضباط و تعهد شدید کاری، وقت شناسی و عجین شدن با کار، گوئی پاره‌ای از پیچ و مهره پالایشگاه در می‌آمدند. مدرسین و مربیان این آموزشگاه برای آشنائی با تازه‌ها و ابزارها و دانش روز برای ارتقا آموزش، چند ماهی در سال به انگلستان میرفتند، مضاف براین کورس‌های مکاتبه‌ای خارج همیشه در برنامه‌های این موسسه بود. آخرین دوره گزینش کار آموز که حقوق ۳۱ ریال در روز به

کار آموز داده میشد، ورودی‌های ۱۳۳۳ بود، ضمن اینکه خوابگاه نیز تعطیل شده بود.

در مهرماه ۱۳۳۳ صد و دو نفر (۱۰۲) از بین داوطلبین با قبولی در کنکور، مصاحبه و تایید سلامت جسم و آزمایشات مربوطه پزشکی به استخدام شرکت در آمدیم.

مربیان و مدرسان سال ۱۳۳۳کارخانه کارآموزان صنعت نفت آبادان

۱-آقای ساسان پور رئیس آموزشگاه ومردی شیک پوش ومورد احترام همه مربیان ومدرسین بود.

۲- آقای شریف پور انسانی آرام و مورد احترام همه بود.

۳- آقای جروند

۴- آقای تکلیف: سرپرست امور ورزش وتدارکات ورزشی که وسایل ورزشی به کار اموزان میدادند. مردی مهربان و صمیمی‌با کار اموزان. روحش شاد.

۵- آقای مقربی: سرپرست بخش تراشکاری با ابهت وبسیار جدی در آموزش.

۶- آقای رجائی: سر پرست بخش تراشکاری . ایشان بمناسبت پر خطر بودن تراشکاری، در آموزش این کار بسیار جدی وسختگیروقابل احترام همه بودند. اما در یک تور گردشگری با کارآموزان، روحیه بسیار لطیف و وشوخ طبعی خودرا نشان دادند. ۷ـ آقای بقا زاده مدرس بخش تراش. ایشان مردی بسیار ارام ومهربان بود. ۸ـ آقای شهابی، ایشان استاد مدرس پمپ‌ها (تلمبه‌ها) بود. مردی قوی هیکل وقهرمان کشتی. مربی کشتی کار آموزان هم بودند. ۹ـ آقای حاج بابا دهقان: مدرس برق، بعدها افتخار همکاری در آموزش پالایشگاه را با ایشان داشتم. حافظه‌ای مثال زدنی داشت. شماره پرسنلی ونام

کوچک همه دوره‌های آموزشی در آموزشگاه را درحافظه خود داشت. آرام ومهربان وراهنمایی‌های صمیمانه‌ای به کار آموزان می‌نمود. تنگ نظرانه با همکاران و کارآموزان بر خورد نمی‌کرد متاسفانه خیلی زود ازمیان مارفت. روحش شاد. ۱۰ـ آقای ابراهیمی. ۱۱ـ آقای گشتاسبی. ۱۲ـ. آقای فوارق

از جمله خدمات نیروی انسانی ورزیده پالایشگاه آبادان در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ همانا راه‌اندازی و بازسازی پتروشیمی بندر امام، پالایشگاه‌های اراک،بندرعباس بود.

یادداشت نشریه: استاد شجاع الدینی که خود از کار آموزان قدیمی‌آموزشگاه حرفه‌ای آبادان بود در دوران اشتغال در اداره آموزش، چند کتاب و مقاله در زمینه «فلز کاری»، «برشکاری» و «ابزاردقیق» ترجمه یا تالیف کرده‌اند و در کارگاه مرکزی پالایشگا آبادان خدمات قابل توجهی داشته و موفق شده بودند که ظریف ترین و سخت ترین وسایل مورد نیاز واحدها را برشکاری کنند. ایشان از تعطیلی آموزشگاه حرفه‌ای آبادان بشدت ناراحت و غمگین است.



کواترای دو اطاقه

نویسنده عبدالحسن بنی سعید*

عبدالحسن بنی سعید کارمند بازنشسته پالایشگاه آبادان هستم، می‌خواهم حال و هوای دهه ۴۰ را شرح دهم.

درخانه‌های حیاط دار با همسایگان گوناگون به صورت کرایه نشینی زندگی می‌کردیم. شرکت نفتی بودن و داشتن یک کواتر دو اطاقه هر چند کوچک برای مایک رویا بود.

سال ۱۳۴۰ بامدرک هفتم متوسطه ازدبیرستان امیرکبیر در امتحانات کارآموزان یاهمان آموزشگاه حرفه‌ای شرکت کرده و قبول شدم دنیایی از شادی من و خانواده ام را فرا گرفت. پوشیدن بویلرسوت گل و گشاد براندام نوجوانیم بهترین لباس دنیا بود. پس ازسه سال کارآموزی و دو سال کارورزی در تعمیرات و عملیات پالایش به استخدام پالایشگاه عظیم نفت آبادان درآمدم.

نصب عکس دایره‌ای شکل یا همان (بی، اس، نامبر) برجیب کاپشن یالبه شلوارلی وتردد با دوچرخه ریس ریسی وهمراه داشتن ظرف سپرتاس حض وافری داشت یاخدمونی بگم تیس می‌داد.

همزمان با کار در عملیات آموزش زبان انگلیسی وادامه

---

* پیشکسوت و مدیر پیشین عملیات نوبت‌کاری پالایشگاه آبادان، روایتگر تاریخ فوتبال آبادان

تحصیل به‌صورت شبانه شوق آفرین بود. یعنی تلاش بیشتر برای بهتر بودن و بیشتر دانستن آن هم در شهری که پاتوق‌هایش گفتمان کتاب بود و تحلیل‌هایش متداول.

به دبیرستان مشخص وپر خاطره رازی مشغول به تحصیل شدم و بالاخره دیپلم گرفتم. سال ۱۳۵۶ از کارگری دوست داشتنی به کارمندی ارتقاء یافته و بعنوان کارمند واحدهای تصفیه نفت و سپس کارمند ارشد دستگاه‌های تفکیک گاز شروع بکار نمودم.

اعتصابات وروزهای پرشور انقلاب را گذراندیم تا اینکه جنگ تحمیلی ۸ ساله آغاز شد.

آتش حقد وکینه صدامیان بعثی عراق پالایشگاه قدبرافراشته ما رادرکنارمرز قرار گرفت وبا اصابت هرخمپاره وگلوله توپ به مخازن ودستگاههای پالایشگاه آتش مهیبی زبانه می‌کشید و چقدرسخت وردناک بود پس از خروج از آبادان یکسال و اندی با فرمانداری ماهشهربا عنوان رئیس کمیته سوخت و رئیس تعزیرات حکومتی همکاری داشتم.

درسال ۱۳۶۱ با حکم رئیس وقت پالایشگاه به بندرصادراتی ماهشهر اعزام و درکنار کار عملیاتی نهضت سواد آموزی کارگری را دایر نمودیم و سپس مسولیت آموزش وآزمون مهارت‌های فنی گارگران راعهده‌دار شدم.

به دلیل پراکندگی کارکنان در پالاشگاه‌های کشور ناچار برای ارتقای رتبه آنان و انجام آموزش و آزمون به آنجا عزیمت می‌کردم، به موازات رزمندگان عزیزوباتفاق همکاران و همشهریانم به ترویج فرهنگ پشتیبانی و فنی وهمچنین آشنائی دانش آموزان استان نمایشگاه شکست حصر آبادان را درماهشهر وسپس در اهواز برپا داشتیم.

بعد از پذیرش قطعنامه پاکسازی و بازسازی و راه‌اندازی

واحدهای عملیاتی پالایشگاه آغاز شد.

مسولیت بازسازی وراه‌اندازی کارخانه تهیه روغن موتور در(بریم POD) و واحدهای تصفیه نفت و تهیه حلالهای ویژه واحد مراکس، واحد سوخت جت (A.T.K) و همچنین واحدهای بزرگ تفکیک گازرابعهده گرفتم و پس از اتمام بازسازی وراه‌اندازی آنها واخذ کارشناسی از دانشگاه آزادآبادان مسولیت‌های دیگری چون رئیس عملیات نوبتکاری و ایمنی را نیز پذیرفتم تااینکه ایام بازنشستگی و دل‌کندن از آن همه خاطره و فراز و نشیب فرارسید.

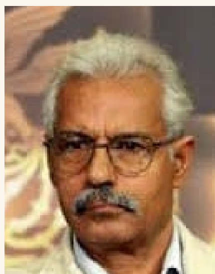
حاصل ۴۲ سال تلاش و تجربه همراه با مقاومت و شهادت همکاران به برافراشته بودن مشعل فروزان صنعت نفت و چرخه اقتصاد کشور انجامید که ایزد منان را شکرگزارم.

این کلمات مسیر نوجوانی مرا تعیین کرد، از احمد آباد با عشق به کارگری، از کارآموزان با سوهان و سمباده تا مدیریت در بزرگترین و پیچیده ترین پالایشگاه خاورمیانه و جهان.

آرزوی داشتن یک کواتر دو یا چند اطاقه در جمشیدآباد و پیروز آباد تابنگله های بزرگ و مجهز بریم چیزی نبود جز تحقق یک آرزو که آنهم با لطف خداوند میسر گردید.



عبدالحسن بنی سعید در کنار آموزشگاه کارآموزان سال ۱۳۴۲



معلمان و مسئولان آموزشگاه کارآموزان آبادان

نویسنده: جبار اقباشاوی*

به پاس قدردانی از مدرسان و اساتید دلسوز و با اخلاص قدیمی آموزشگاه حرفه‌ای آبادان، اسامی تعدادی از این عزیزان که در یاد و حافظه‌ی برخی از کارآموزان قدیم مانده است در این ویژه نامه ثبت می‌گردد تا یاد و خاطره آنان را زنده نگاه داریم. بدیهی است به علت گذشت زمان طولانی از آن دوره و عدم دسترسی به اسناد قابل اطمینان، ذکر نام همه‌ی ان عزیزان مقدور نگردید و اسامی حاضر نیز به کمک و یاری دوستان قدیمی فراهم آمده است سمت‌های قید شده در مقابل نام استادان مربوط به سال‌های متفاوت می‌باشد.

از مدیران خارجی می‌توان به مستر هاکر (انگلیسی) رئیس آموزشگاه، مستر وندر میر (هلندی) رئیس آموزشگاه، جروند: معاون آموزشگاه اشاره کرد. افرادی متخصص و غیر سیاسی که به نظم و دقت شهرت داشتند.

استادکاران و مسئولین دیگر آموزشگاه کاراموزان که در خاطره ما بجا مانده‌اند و اطلاع دقیقی از همه عزیزان بزرگوار ندارم عبارتند از آقایان جواد مقربی، ابراهیم

---

* عضو هیئت نویسندگان مشعل آبادان، کارشناس حوزه عملیات پالایشگاه آبادان

محررخمامی، حاج بابا دهقان: برق. رضا دهقان : تلمبه ها، عبدالرسول بشیریان: برق، علی اکبر صالحیان. منوچهر خسروی: برق، صفر صفری: مربی کلاسهای نظری، بهرام جلایی: تراشکاری، احمد لک: تلمبه‌ها و رئیس کارگاه، محمود تکلیف: مدیر ورزش و استاد فیزیک، مکی گوبانی: برق، محمد جهان پناه: رئیس کارگاه ، ماهوزی: مربی نظری، علی صالح، مصطفی آذر، قدیریان، ساسان پور: سال ۱۳۳۳ رئیس آموزشگاه، باجوند: دوره مقدماتی، قسمت تلمبه ها، علی دانشیار: رئیس آموزش حرفه ها، فاروق فتاحی: مربی ورزش، کریم زمانی خان، احمد پیشنمازی.

دیگر پیشکسوتان که می‌توانم به نام انها اشاره کنم عبارتند از: احمد بیداریان عبدالجلیل محمدزاده عبدالغفور نعمتی نوروز بندریان : نجاری. حسین قلی شاهپوری: نجاری، غلامشاه بنازاده: تراشکاری دوانی : جوشکاری یاسین زاده یعقوبی : انجین شاپ محمدیار عوض پور: مقدماتی، مهندس شهابی: رئیس انجین شاپ حسین ناطقیان، انجین شاپ امرالله باباجانی : دوره مقدماتی، اسدالله گشتاسبی: دوره مقدماتی علی صوفاری : استاد کار جوشکاری جعفری نسب: آموزش زبان، چاروسایی رجایی: تراشکاری البرزیان، همایون حسامی، آوانسیان: برق جم نژاد: ریاضی، خرمی‌روف چای، روشنایی تراب زاده: معلم رسم فنی فاضل چاروسه کوهنجانی احمد هدایتی غلامعلی رنجبری رحمت الله ابراهیمی: رئیس کارگاه محمد ابراهیم شریف پور: رئیس کل آموزش فربد صراف: آموزش زمانخانی: آموزش جهانبخش فیاض چگنی: رئیس هنرستان گلبان گلشنی ماشلی میرزایی قلعه وردی: جوشکاری شرف الدین فوارق، ناصر رهنورد مصطفی دشتی گوهری: مسئول انبار

ابـزار، نـورالله لطفـی، یـازل، مبـارک: مسـئول قسـمت آهنگـری (کـه در محوطـه بـاز بیـرون از کارگاه بـا سـوخت ذغـال سـنگ کار وآمـوزش میـداد.) کاظـم عـرب علـی سـدهی الله داد چنگیـزی یـدالله آلیـا روسـتایی عزیـزالله شـیروانی: امـورداری، ناصـر نگـراوی: امورداری، خانـم جوبنـدی: منشـی آموزشـگاه

یاد و خاطره همه عزیزان زحمتکش گرامی‌باد



خاطره کارآموزی؛ بوسه مسیو فادر و بیلرسوت گچی

نویسنده: ابراهیم نصیری*

من ورودی سال ۱۳۴۱ هستم. آن زمان بچه‌های کارآموز آموزشگاه حرفه‌ای (که به آن کارخانه کارآموزان میگفتیم) آنقدر شیطنت و شوخی و بازیگوشی می‌کردن که هنوز بعد از پنجاه شصت سال که می‌گذره از آن شوخی‌ها و القابی که روی همدیگه میگذاشتیم خنده ام میگیره. بشوش و مرغابی و کله اسبی و طماطه و..... لقب‌های عادی و همیشگی بود.

یک روز آقای «جروند» که مدیرمان بود ما سه چهار نفر را که فکر می‌کرد بچه‌های آرام و سر براهی هستیم صدا کرد و ماموریت داد که به ایستگاه سه فرح آباد رفته و در ساختمانی که از طرف شرکت در اختیار حزب «ایران نوین» قرار گرفته بود به کارگرانی که در آنجا مشغول تعمیرات بودند کمک کنیم.

راننده‌ی اداره را صدا کرد تا با ماشین شرکت ما را به آن محل برساند. آنجا دو سه روزی کار بود و طی این مدت که ما مدیر و استادان خود را بالای سر نداشتیم زمین و آسمان را از شوخی و شیطنت‌های خود بهم دوختیم. روز آخر که قرار بود به کارخانه کارآموزان برگردیم، با همدیگه قرار گذاشتیم که بیلرسوت‌های خود را کثیف و گچی کنیم

---

* پیشکسوت کارآموزان، مسئول پیشین تعمیرات برق بوارده و فضای سبز پالایشگاه.

که بتوانیم سر آقای «جروند» را شیره بمالیم و هرکدام یک بیلرسوت نو بگیریم. به همین خاطر بیلرسوت‌های همدیگه رو گچ مالی کردیم و آخر سر هم با پنجه‌ی گچی پشت بیلرسوت‌ها رو نقش انداختیم و رفتیم کارخونه. اونجا یه راست رفتیم دفتر که خودمان را نشان بدهیم که برگشته‌ایم و مثلا پاداش بگیریم. آقای «جروند» ابتدا تحویلمان گرفت و خسته نباشید گفت اما بعد که حرف بیلرسوت نو را زدیم گفت: پس این پنجه‌های گچی چیه پشت کمرتون مالیدین حقه بازها؟ می‌خواهین به من کلک بزنین؟ از نمره هاتون کم میکنم برید گمشید تو کارگاه. و ما از ترس و خجالت زده با دو به طرف کارگاه دویدیم.

زمانی که کار آموزی ام تو کارخونه تمام شد، مرا به اداره تعمیرات برق بیمارستان او پی دی و سیکلین فرستادن. در سیکلین، پشت پلیت‌های پالایشگاه، بغل اداره پست آبادان، کوچه مانندی هست که آن موقع کلیسایی آنجا بود که متعلق به مسیحیان کاتولیک بود. اسم آن کلیسا، (R.C.Church) بود (مخفف کلیسای کاتولیک رم).

متولی اش کشیشی بود که به او «مسیوفادر» می‌گفتن. چون کلیسا در محدوده‌ی کاری اداره ما قرار داشت کارهای برقی آنجا را ما انجام می‌دادیم و خیلی وقت‌ها برای تعمیرات برقی و یا تعویض لامپ‌های سوخته به آنجا می‌رفتیم این آقای «مسیو فادر» که کشیشی ایتالیایی بود پیرمرد بسیار مهربان و خوبی بود که زبان فارسی اش هم هر چند با لهجه اما خوب بود و خیلی سعی می‌کرد که مرا مسیحی و کاتولیک کند. به من می‌گفت تو بیا کاتولیک بشو من ترا به ماموریت افریقای جنوبی می‌فرستم ویک کلیسا را در اختیارت می‌گذاریم و اسقف اعظم میشوی و

خیلی ترقی خواهی کرد و از این حرفها...اما در آخر کار حریف زبان من و اطلاعات دینی‌ام نشد.

این کشیش مهربان تقریبا هر روز و یا هفته‌ای چند روز به ملاقات و عیادت بیماران بستری دربیمارستان شرکت نفت می‌رفت. روزی یک واقعه روی داد که عوغا شد. مسیو فادر از روی محبت پدرانه و کشیشانه و بی غرض، دربخش کارگری زنان با زن بیمار جوانی دست داد و روی او را بوسید. همان کار توفانی بپا کرد. یکی از کارگران آن بخش که این صحنه را دید، چنان بر اشفته شد و سر و صدا بپا کرد و شکایت را به رئیس بیمارستان رساند که ناچار شدند عذر پدر روحانی را بخواهند و محترمانه به او گفتند که دیگر به بیمارستان نیاید. و از آن به بعد، بجایش یک روحانی مسلمان گذاشتند که از بیماران عیادت کند.

خاطرات از آن زمان وآن شرایط خاص آموزشی و کار در محیط پالایشگاه و اماکن شرکتی بسیار زیاد و جالب است اما به علت محدودیت جا برای درج آنها با عرض معذرت شرح بیش از این مقدور نیست و به وقت دیگر می‌سپارم.

سلامت و پایدار باشید.



آبادان و کارآموزان و یک دنیا عشق

نویسنده: حبیب کارجو

آبادانم، سراغت را از بنفشه‌ها می‌توانم گرفت، از شوری گاگله از رایحه حبابوک، از بوی چمری، از بوی گییس، از تن پوش بیلر سوت از طنین فیدوس، از غریو صدای جرموز، از اینجا آبادان رادیو نفت ملی، از شکوفه‌های نارنج نارنجستان زندگی، از عشق و دلدادگی به این خاک دامن‌گیر...

اینجا آبادان، رادیو شهر عاشقان، اینجا آبادان دیار دلداده ترین مردم جهان، اینجا آبادان، روشنایی فلِر آن روشنی بخش آسمان پرواز بود با طعم واژه عشق و گفتارم که از دلدادگی دل می‌آید و شوریدگی در سر....

آبادان را در نفت باید جستجو کرد با یک گوی چرمین در بغل، توپ‌هایی که تیوب جدا داشت و ترکیب آنها زمزمه آغاز عاشقی می‌شد، با طلوع خورشید و بی شمس زیر ابر، با مهتاب، با عشق با نم نم شرجی شوریدگی..
ویلیام ناکس دارسی، انگلیسی

تبار، و صبح روز پنجم خرداد سال ۱۲۸۷، برای بار نخست در خاورمیانه و محله دره خرسون مسجد سلیمان اولین چاه نفت کشف و تاریخ را دگرگون کرد و گسیل مردان

بریتانیا به جنوب ایران و یافتن دُر گرانبهایی به نام آبادان، آنها خواستار تصفیه این مایع سحرانگیز بودند و برای این مهم به ازای هر بشکه معجون چندین بشکه آب شیرین نیاز است و کدامین مکان مهیا و شیرینتر از شط جاری مهر در آبادان سخاوت، و هجوم مردان سراسر این دیار به خوان گسترده عشق که پذیرای همگان بود بی هیچ منتی، به میعاد روشنایی لبخند، و روزهای روشن و عطر نارَون. آبادان بزرگ و بزرگتر شد، لبخند به لب مردان نشست، زنان با فانوس و نان به شراکت شدند و قهقهه کودکان موسیقی ستاره شد به شبان رفته به......

انگلیس را می‌توان با سه خصیصه خاص شناخت، سیاست، چای و البته فوتبال، و اینگونه بود که جادوی این کُره جادوگر مردم دیار عزیزم را جادو کرد، بیش از یک قرن از ورود توپ به سنگفرش نور و ستاره گذشته است، نجمه نجوم عشق ابدی.

مردان بریتانیا و انگلیس را از نگاه توپ گرد می نگریم در این مقال، و پشتوانه سازی برای حیات موفق پالایشگاه و شهر خوبان، و بدین سان بود که آموزشگاه حرفه‌ای آبادان تاسیس شد و تداوم گستره هستی با شکوه بر مبنای دانش و مهارت امور فنی، آموزش سه ساله و بعد گسیل به محیط بزرگ، پالایشگاه و ادارات وابسته

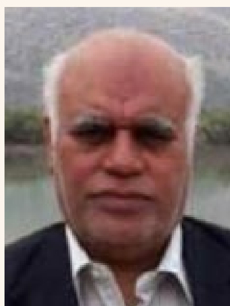
آموزشگاه حرفه‌ای

محل پرورش نوجوانان شهر ما در زمینه نفت بود و البته با همجواری عشق ابدی فوتبال، بدون شک در این مقال نمی‌توان به این تاریخ با شکوه پرداخت و آنچه می آید قطره‌ای ست از این دریای عظیم نعمت لایزال .

فوتبال آموزشگاه، تیم کارآموزان نام داست، عجین با نام محمود تکلیف، مدیر ورزش آموزشگاه که نامش آمیخته با فوتبال کارآموزان در طول تاریخ است و نگهبان دروازه مجد تیم او، سید حسین حسینی، داراب فرامرزی، فراتر از مرزهای جنوب، جعفر قشقایی بزرگ، هوشنگ خواجه‌ای، بزرگمرد فوتبال جنوب و ستاره درخشان خوزستان، سیف الله سنقرآبادی بزرگ، محمود سعی الدین، ستایشگر خوبی‌ها، غلامحسین شجاع، مظهر مهر، محبت و مردانگی، هوشنگ کوهستانی، کوهستان رفیع رفاقت، عبد مصیب، تکنیک ناب جنوب، اصغر فخرآبادی، فخر فوتبال جنوب، محمد نادری فر، غلامحسین احمدی فر استاد گرانقدر دانشگاه، کریم سنگرگیر، سنگربان دیار معرفت، حسین رودانی دریانورد دریای مهر، عبدالله شمسایی، آفتاب درخشان خوبی‌ها، حمید مجدمیان، کانون حمد و مجد جنوب، اکبر براتی، بزرگتر خانواده عشق، شهید مرادان، عاشق شهادت نیکوخصال، قاسم بیرشوی، مدیر توسعه فنی و کنترل هدر رفتگی نفت در نروژ، شرکتی با عظمت ۵۰۰ دفتر در ۱۳۰ کشور جهان، علی نیکویی، مظهر نیکویی جهان با بهترین خصال نیکویی، اسماعیل کشتکار، کشتگر سرزمین نجابت، جوانمردی، مرام و ستاره فوتبال ایران زمین، حمید سعدونی، ستاینده فوتبال خانواده بزرگ سعدون به جنوب سوزان، علی احمدی خُرّم، اعلای شکوه بزرگ جنوب، غلامعلی میرافضل، امیر فضیلت پاک سرزمین شرجی، نصرالله تیرانداز نصر مردان پاک نهاد، محمد رضا محقق‌زاده، تحقیقگر هر آنچه رضایت رضای اوست، برادران سالخورده، مردان عزت و بزرگی آبادان، جعفر الحایی، ستاره درخشان جنوب و...

به زمستان هم می‌توان یافت، زیباترین شکوفه های بهاری را به بهار زندگی به جنوب من، آبادان مهر، به اوج پرواز پروانه پیراری، با واژه آسمانی نجابت، با تو بسیاریم ما، به اوج یگانگی، به لبخند دخترکان نجابت، به بوی خوش عود، به فضای اذان، به گلدان گل محمدی، به شرافت شریف شعف شیرین شجره پاک آفرینش، آبادان...

فقط همین



خاطره کارآموزان

نویسنده: یحیی ناصری

در زمان کارآموزی که ورزش می‌کردیم بعضی از بچه‌ها در چند رشته بازی می‌کردند. گاهی یک نفر هم در تیم والیبال بازی می‌کرد هم بسکتبال و هم فوتبال.

یک‌بار مسابقه دو سرعت بود از روبروی خانه پیشاهنگی که کانونی تحت نظر آموزش وپرورش و روبروی آموزشگاه حرفه‌ای بود، تا زمین ورزش آموزشگاه حرفه‌ای، یعنی چسبیده به باشگاه آبادان، من باچنان سرعتی دویدم که سرپیچ قلبم گرفت و افتادم و مرا به بیمارستان شرکت بردند. (جوانی و غرور)

زمانی که برای کلاس‌های عملی با بیلر سوت می‌رفتیم کارگاه. روبروی استادیوم پاپتی با توپ پلاستیکی بازی می‌کردیم تا زنگ می‌زدند با دو می‌رفتیم توی کارگاه که بعضی وقت‌ها دیر می‌رفتیم که توسط ناظم وقت آقای ابراهیمی تنبیه می‌شدیم.

یادش بخیر. یک بار تیم کارآموزان سال ۱۳۵۲ با تیم جوانان صنعت نفت بازی داشتیم که ما سه بر هیچ بردیم، همان وقت بعد از بازی طرفداران تیم صنعت نفت به ما حمله کردند. من در آن بازی دروازه‌بان بودم چنان

دروازه‌بانی گرفتم که آن بازی را هیچوقت فراموش نمی‌کنم. یا زمانی که مربی تیم کارآموزان زنده یاد فاروق فتاحی بود با تیم دانشجویان دانشکده نفت بازی داشتیم، مربی آنها هم فاروق فتاحی بود. واقعاً دوران پر افتخاری بود برای ما که در کنار چنین مربی از مکتب شاهین بودیم، برای اینکه شاهینی‌ها هم به فوتبال و هم به اخلاق و درس اهمیت می‌دادند.



خاطرات کارآموزان

نویسنده: علیرضا نیل پز زاده (ورودی ۱۳۴۸)

آن زمان بعد از آنکه دوره ی ششم ابتدایی دبستان را تمام کردم، به توصیه خانواده و مرحوم پدرم در آموزشگاه حرفه‌ای آبادان ثبت نام کردم. بعد از موفقیت در امتحان ورودی، به همراه تعداد زیادی از بچه‌های هم سن و سالم وارد کارخانه کارآموزان شدم. آن زمان ما به آموزشگاه حرفه‌ای کارآموزان می‌گفتیم کارخانه. کارآموزان وارد یک محیط تازه‌ای شدیم که با مدرسه خیلی فرق داشت اینجا مثل یک کارگاه بزرگی بود که همه نوع ماشین و ابزار آلات صنعتی در آن دیده می‌شد و قرار این بود که ما تمام این چیزها را یاد بگیریم. استادان ما عبارت بودند از: آقایان عبدالرسول بشیریان و منوچهر خسروی مسئولین برق کارگاه آقای احمد بندریان مسئول کارگاه نجاری آقای حسن یعقوبی مسئول آموزش موتورهای درون سوز، آقای صفر صفری دبیر فیزیک آقای شیروانی دبیر هندسه، مرحوم حاج بابا دهقان دبیر ریاضیات ورسم فنی برق آقای یاسین زاده. دبیر زبان که انسان بسیار پاکدل و خوش‌قلبی بود، خیلی برای آموزش بچه‌ها مایه می‌گذاشت و وقتی یکی از کارآموزان درس یاد نمی‌گرفت خیلی حرص می‌خورد. آقای رضا دهقان دبیر

مکانیک و رسم فنی مکانیک، مرحوم محمود تکلیف دبیر ورزش خدا بیامرزدش وقتی بارون می‌آمد ما بهش می‌گفتیم آقا بارونه ورزش نکنیم او می‌گفت: "باید برین زمین ورزش و ورزش بکنید"، هر وقت ما اصرار داشتیم که بریم زمین ورزش، می‌گفت نخیر امروز مناسب نیست ما هم دیگه لمش (قلقش) آمده بود دستمون، هر وقت حال ورزش نداشتیم، اصرار به ورزس کردن داشتیم و خدابیامرز مخالفت می‌کرد ولی در مجموع بسیار انسان‌های خوبی بودند با صفات خوب و دلسوز و با جدیت آموزش می‌دادند. یک خاطره از مرحوم حاج بابا دهقان که یک انسان کامل و شریف و متفاوت بود خدمتتون عرض بکنم.

آموزشگاه حرفه‌ای هر سال دو ترم داشت، ترم اول امتحاناتش بعد از ششم بهمن آغاز می‌شد و ترم دوم از اول تیرماه، من رشته برق سال سوم یعنی سال پایانی آموزشگاه بودم. سال ۱۳۵۰ امتحانات ترم اول شروع شده بود، مرحوم پدرم یک سالی بود که سرطان داشت و روزی که امتحان ریاضیات داشتم صبح متوجه شدم که حالش وخیم شده به هر حال آماده شدم و رفتم آموزشگاه، سرجلسه امتحان اشکم جاری شد و نتوانستم سوالات را ببینم بنابراین هیچکدام را جواب نداده بودم، آقای دهقان آمده بود بالای سرم که ببیند جواب‌ها چگونه هستند تا بتواند به دیگران که ضعیف‌تر هستند کمک بکند، وقتی دید چیزی حل نکردم بهم گفت: عزیزم چشم و چراغ کلاس، چرا حل نکردی؟ (آخه سال سوم آموزشگاه که ریاضیات سوم دبیرستان را امتحان می‌دادیم، من پنجم دبیرستان رشته ریاضی دبیرستان رازی شبانه درس می‌خوندم و سوالات برام مثل آب خوردن بود) یه دفعه گریه‌ام گرفت وموضوع رو

بهش گفتم، این مرد بزرگ فوری اوراق رو ازم گرفت و بلندم کرد و از سالن بیرون رفتیم، سویچ ماشینش که «آریا» بود رو به یکی از مستخدمین آموزشگاه بنام آقای چنگیزی داد و گفت با ماشین ببرش منزلشان، بهش گفتم آقا اگر امتحان ندم از آموزشگاه اخراج میشم، بهم گفت خیالت راحت هرچند درس را امتحان ندادی، نمره ترم دومت را برای ترم اول می‌گذارم واین مسئولیت بزرگی بود که به گردن خودش انداخت، رفتم منزل، پدرم نیم ساعت بعد درگذشت، من هفت امتحان را نتوانستم حاضر بشوم، و این مرد بزرگ و فداکار که مورد علاقه و احترام تمام بچه‌های کارآموزان بود، نمرات ترم دوم را برای ترم اولم منظور کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

استادان ما در کار آموزان چنین انسان‌های دلسوزی بودند که هم با جدیت آموزش می‌دادند و هم با محبت بودند.

یادشان بخیر



مقایسه دو نظام آموزشی در صنعت نفت ایران (۱۹۷۹-۱۹۰۱)

نویسنده: مسعود فروزنده*

مقدمه

در دوره قاجار اولین سرمایه‌گذاری دولتی برای آموزش نیروی انسانی با هدف توسعه در واکنش به جنگ‌های ایران روس ایران صورت گرفت. شکست در جنگ‌های ایران و روس آغاز پرسشگری و یافتن پاسخ‌ها در الگوی حکمرانی و کشورداری گردید که چرا ایران از قافله تمدن و پیشرفت عقب مانده و ممالک غربی به این درجه از پیشرفت نائل آمده‌اند. اولین پاسخ‌ها در دو واژه «تعلیمات» و «صنعت» خلاصه می‌شد. اولین اقدام توسط عباس میرزا با اعزام محصل به اروپا و راه‌اندازی چند کارگاه نظامی رقم خورد و دومین اقدام در عصر ناصرالدین شاه و به دست امیر کبیر به تاسیس دارالفنون انجامید. در دوره ناصری و مظفری، دارالفنون و چند مدرسه مانند مدرسه فلاحت مظفری، مدرسه نظامی اصفهان و مدرسه نظام تهران تأسیس گردید. با پیروزی جنبش مشروطه، تغییر سلسله قاجار و گسترش افکار روشن بینانه، اهمیت آموزش فنی مهندسی و مهارت آموزی بالا گرفت. سیاستمداران و کنشگرانی چون داور، تدین، متین دفتری و فروغی، پیروی از انقلاب صنعتی،

---

* دکترای تاریخ، پژوهشگر، نویسنده تاریخ صنعت نفت ایران (۱۴۰۰-۱۲۸۰)

ایجاد اقتصاد ملی و در حوزه آموزش، گسترش مدارس عالی مهندسی فنی و هنرستان صنعتی را بهترین مسیر برای توسعه و مدرنیزاسیون ایران دانستند که در دولت پهلوی اول آن را به اجرا درآوردند. احمد متین دفتری در کتاب خود که در سال ۱۳۰۴ منتشر شد آن را بیان می‌کند.

در اجرای این سیاست آموزشی، مدرسه‌های فنی و هنرستان‌های صنعتی مانند آموزشگاه تلگراف و بی سیم در سال ۱۳۰۵، مدرسه صنعتی فارس در شهریور سال ۱۳۰۶، مدرسه عالی مهندسی در تیر ۱۳۰۶، هنرستان صنعتی تبریز در ۱۳۰۹، هنرستان رنگرزی در سال ۱۳۰۹ و آموزشگاه حرفه‌ای (کارآموزان) آبادان در سال ۱۳۱۲ آموزشگاه فنی آبادان در سال ۱۳۱۸ تاسیس شدند. فشار دولت ایران به شرکت نفت انگلو پرشیا برای آموزش نیروی کار ایرانی از همین زاویه قابل تبیین است.

ویژگی‌های نظام آموزش شرکت نفت انگلیس ایران در سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۲

- دوره‌های کوتاه مدت کارگاهی
- صرفه جویی در بودجه
- پرورش کارگر ماهر
- آموزش حداقلی ایرانیان

تصور غلطی از دوران انگلیسی‌ها در ذهن نسل حاضر نقش بسته است و همه دستاوردهای شرکت ملی نفت در سه دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را به حساب شرکت نفت انگلیس ایران می‌گذارد. آموزش در پنجاه سال حاکمیت انگلیسی‌ها به دلیل نگاه استعماری به کشورهای میزبان نفتی، صرفه جویی اقتصادی و محدود سازی در انتقال دانش به تحول کیفی نیروی کار ایرانی نیانجامید وعقیم ماند.

برای مثال می‌توان به ضعف مفرط نیروی کار ایرانی پس از خلع ید از انگلیسی‌ها اشاره کرد که بجز پالایشگاه در بخش‌های مهندسی، توسعه میدان‌ها و بازرگانی و فروش خارجی ضعیف بود. مثال دوم از اولی آشکارتر است شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۳۳ به این واقعیت دست یافت اغلب نیروی کار ایرانی بی سواد هستند و توانایی اولیه در خواندن و نوشتن به زبان فارسی ندارند و در مهارت حرفه‌ای و سازمانی تک بعدی پرورش یافته‌اند. شرکت ملی نفت ایران با همکاری شرکت‌های عامل (موسوم به کنسرسیوم) اولین کلاس‌های اجباری سواد آموزی را با پنج هزار کارگر در سال ۱۳۳۴ بر پا کرد.

اغلب دوره‌های آموزشی که شرکت نفت انگلیس ایران در سال‌های اولیه (۱۲۸۷ تا ۱۳۱۲) بر پا می‌کرد «کارگاه محور»، با حداقل دروس نظری بود. تمایل اعضا هیئت مدیره و همچنین سابقه همکاری با شرکت نفت برمه موجب گردید بخش قابل توجه نیروی کار شرکت در آبادان از هندوستان و برمه تأمین شود. نیروی کار برمه و هندی ماهرتر از نیروی کار ایرانی بود.

راهبرد آموزشی شرکت در این دوره تاریخی چهار ویژگی داشت. اول انکه دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و کارگاهی بود و زمان زیادی برای تعلیم و پرورش صرف نمی شد، دوم، سیاست صرفه جویی شرکت به کم مایگی دوره‌های آموزش می‌انجامید و سوم اینکه هدف شرکت، پرورش کارگر ماهر بود و به خیل عظیم کارگران و سواد آموزی اعتنایی نداشت. تبعیض ملیتی ویژگی چهارم بود.

مقایسه آماری، توصیفی دقیق تر از وضعیت این دوره تاریخی ارائه می‌کند. بر أساس صورت جلسه عمومی شرکت

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، با آنکه شمار کارگران ایرانی بالغ بر ۲۳ هزار نفر و کارگران هندی بالغ بر ۵ هزار نفر بود تنها ۶۰۸ کارگر در کارگاه آموزش ضمن خدمت را گذراندند. مطابق همین سند با در نظر گرفتن کارگران فصلی جمعیت کل کارگران به یکصد هزار نفر در شهرهای مسجد سلیمان، اهواز و آبادان بالغ می‌شد. در سه سال پیش از آن هر سال تعداد ۳۰۰ کارگر در مناطق نفتخیز آموزش ضمن خدمت می‌گذراندند.

اعتصاب دوم کارگران هندی که بخشی از آنان مهارت خوبی داشتند در می ۱۹۲۲ به بازگرداندن انان به هندوستان انجامید و فرصتی برای کارگران ایرانی فراهم کرد. اعتصاب اول کارگران هندی در دسامبر ۱۹۲۰ بود.

کمک مالی شرکت در این دوره ۲۵ ساله به اداره معارف مسجد سلیمان، اهواز و آبادان برای تقویت آموزش مقطع دبستان در چند نوبت برای جلب رضایت مدیران شهری و انجام مسئولیت اجتماعی صورت گرفت که در قیاس با جمعیت کارگران بسیار محدود و برای جلب رضایت جامعه پیرامونی و نمایش به دولت بود.

«آموزش عمومی» کارگران در شرکت نفت انگلیس ایران به دلایل بودجه‌ای و کمبود مربی و استفاده جسمانی از کارگران اولویت نداشت. ضمن آنکه فرایند تولید چندان پیچیده نبود و آموزش‌های فنی احساس نمی‌شد. شرکت در برابر حوادث غیر مترقبه در پالایشگاه آبادان که خسارت جانی به کارگران وارد می‌آمد مسئولیتی در قبال خانواده آنان و دولت ایران ایفا نمی کرد. قانون کار وجود نداشت و نیروی کار ارزان ایرانی و هندی در دسترس بود. وضعیت در مسجد سلیمان به دلیل آنکه نیروی کار عموما از اهالی محل و

ایل بختیاری بود متفاوت بود، سران بختیاری مدافع جان و سلامت اعضا بودند. به همین دلیل نیروی کار هندی کمتری در مسجد سلیمان حضور داشت.

علائم ثبت شده بر تابلو و تذکرات استادکاران در حین کار رکن اصلی آموزش عمومی بودند. آموزش ضعیف و غیر مسئولانه، مانع خسارت‌های ناشی از گازگرفتگی، برق گرفتگی، آتش سوزی، تصادف در محل، انفجار و خطرات کار با ابزارصنعتی نمی شد. اموزش گزارش نویسی، خواندن و نوشتن به زبان فارسی، صرفا و به صورت محدود برای استاد کاران به اجرا در می‌آمد. ضمن آنکه اغلب نیروی کار در سه دهه نخست در بدو استخدام بی سواد بودند و شرکت بودجه‌ای برای سواد آموزی عمومی تخصیص نداده بود. مقایسه بین دو دهه ۱۳۰۰ و ۱۳۴۰ تفاوت فاحش بین سیاست‌های آموزشی انگلیسی‌ها با شرکت ملی نفت را نشان می‌دهد.

تاثیر قرارداد ۱۳۱۲ بر آموزش نیروی کار ایرانی در شرکت نفت انگلیس - ایران

۱-تاسیس دو نهاد آموزشگاه کارآموزان و آموزشگاه فنی

۲-اعزام دانشجو به انگلیس

۳-افزایش بودجه بخش آموزش

۴- کمک مالی شرکت به ساخت مدرسه در آبادان و مسجد سلیما ن

۵- انتقال (نسبی) دانش فنی به نیروی کار ایرانی

وضعیت آموزش نیروی کار ایرانی در شرکت تنها پس از لغو قرارداد دارسی و انعقاد قرارداد جدید در سال ۱۳۱۲ و تاکید رضا شاه، بهبود یافت. با اجرای طرح عمومی که بخشی از قرارداد بود تحولی در سیستم آموزش فنی

صنعتی پدید آمد و آموزشگاه فنی (Technical Institute) و آموزشگاه حرفه‌ای (Artisan school) راه‌اندازی گردید. در بخش بهداشت آموزشگاه پرستاری برای پرورش دیپلم پرستاری در سال ۱۳۲۰ زیر نظر شرکت در آبادان تاسیس شد. در سال ۱۳۳۷ به آموزشگاه عالی ارتقا یافت و فارع التحصیلان مدرک لیسانس پرستاری دریافت می‌کردند.

دوره آموزشی کارآموزان آموزشگاه حرفه‌ای آبادان پنج ساله بود و در سال‌های بعد به سه سال کاهش یافت. نام آموزشگاه حرفه‌ای به سه صورت ترینینگ خانه و کارخانه و آموزشگاه کارآموزان به کار برده می‌شد. آموزشگاه حرفه‌ای در واقع ادامه همان آموزش‌های کارگاهی (ورک شاپ) بود که نظم و سیاق جدید به خود گرفت. اصطلاح کارآموزان برای شاگردان قدیمی که اکنون پیشکسوتان پالایشگاه آبادان هستند جنبه نوستالژیک به خود گرفته است.

با شروع جنگ تحمیلی از سال ۱۳۵۹ خورشیدی فعالیت آموزشگاه کارآموزان متوقف شد و سپس از سال ۱۳۶۸ فعالیت خود را از سر گرفت. در سال ۱۳۷۸ به دستور وزیر نفت وقت فعالیت آن دوباره متوقف گردید تا اینکه در سال جاری (۱۴۰۲) اقداماتی برای راه‌اندازی آن صورت گرفته است.

بر اساس قرارداد ۱۳۱۲ شرکت موظف شد به طور زمانمند نیروی کار خارجی را کاهش دهد، اعزام دانشجو ایرانی به خارج را آغاز کند و شمار دانش آموزان فنی را بیافزاید تا نیروی کار ایرانی ورزیده گردد و نسبت نیروی کار ایرانی به خارجی افزایش گیرد.

اعتصاب کارگران در سال ۱۳۲۵ و بهبود شرایط آموزشی - رفاهی

اعتصاب سال ۱۳۲۵ شهرهای نفتی به توجه بیشتر شرکت به امر آموزش و رفاه و ورزش انجامید. شرکت نفت انگلیس ایران برای جلب نظر کارگران و جامعه پیرامونی و خنثی سازی تبلیغات چپ گرایان، کمک‌های مالی خود را به ساخت مدرسه و دبیرستان افزایش داد و وضعیت رفاهی کارآموزان را بهبود بخشید. ساخت مدرسه فرهنگ، گسترش منازل شبانه روزی کاراموزان، تبلیغ زندگی کاراموزان و کارگران در نشریه اخبار هفته، راه‌اندازی سینما تاج و برگزاری لیگ فوتبال از این دست بودند. در واقع فشارهای وارد آمده به شرکت در دو مقطع سال ۱۳۱۲ از سوی دولت و سال ۱۳۲۵ به علت اعتصاب کارگران، موجب بهبود شرایط آموزشی و رفاهی شد.

تحول در آموزش صنعت نفت ایران از ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷

۱-ارتقا اموزشگاه فنی به دانشکده فنی

۲- بهبود دروس نظری و عملی کارآموزان

۳-گسترش هنرستان‌های صنعتی و آموزشگاه حرفه‌ای

۴- اجباری شدن آموزش قبل از استخدام در هفت آموزشگاه تخصصی

۵- عمومی شدن أنواع اموزش ضمن خدمت در تمامی رده‌های سازمانی

۶- دانش محور شدن شرکت ملی نفت ایران با همکاری مراکز علمی بین المللی و داخلی

۷- اجرای سیاست ملی با هدف آموزش کارکنان ایرانی برای کاهش نیروی خارجی

۸- بسیج سازمانی با تهییج انگیزه نیروی کار: ارتقا در سلسله مراتب سازمانی، افزایش دستمزد و رفاه

وقتی شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۳ همکاری خود

را با شرکت‌های عامل (موسوم به کنسرسیوم و غلبه روش آمریکایی در مدیریت) آغاز کرد هیئت مدیره شرکت آگاه شد اغلب نیروی کار ایرانی بی سواد هستند اما می‌توانند جملات و اصطلاحات فنی به زبان انگلیسی را متوجه شوند. سواد آموزی برای کارگران اجباری گردید و دوره گزارش نویسی در سطح وسیع آموزش داده شد.

سازمان أمورغیر صنعتی در سال ۱۳۳۹ بر اساس یکی از مواد قرارداد کنسرسیوم تشکیل شد و به تدریج همه أمور غیر صنعتی غیر فنی همچون آموزش، بهداشت، لجستیک و منازل به شرکت ملی نفت واگذار گردید. رئیس سازمان أمور صنعتی را مدیر عامل شرکت ملی نفت منصوب می‌کرد.

کمیت و کیفیت دوره‌های آموزشی در مقطع مهندسی با افزایش آزمایشگاه، استادان مجرب، دروس نظری جدید، پروژه‌های پژوهشی از سال ۱۳۳۳ متحول شد. برنامه آموزشی کارآموزان نیز با تکمیل کارگاه مرکزی، دروس جدید نظری و ارتقا دروس عملی تغییر اساسی کرد تا آنجا که فارغ التحصیلان در سطح تکنسین کارآزموده می‌شدند. مجموعه این اقدامات به تحول سازمانی انجامید و کارشناسان و کارگران ماهر را در نصب و راه‌اندازی واحدهای جدید صنعتی توانایی بخشید. گزاف نیست این دوره را انقلاب آموزشی در صنعت نفت بنامیم.

راهبرد حرفه‌ای سازی در منابع انسانی

موفقیت یا عدم موفقیت سازمان‌ها از جمله شرکت ملی نفت ارتباط اشکاری با حرفه‌ای گری منابع انسانی دارد. آموزش ضمن خدمت و استخدام نیروی شایسته این مهم را محقق می‌سازد. اموزش ضمن خدمت سه هدف را دنبال می‌کند: ۱- بهبود مهارت‌ها ۲-سازمان دانش محور

۳- تغییر نگرش و انطباق پذیری. شرکت ملی نفت زودتر از دیگر ارگان‌ها و سازمان‌ها اما در یک روند طولانی و پر حادثه در دهه ۱۳۵۰ به آن دست یافت.

در سال تحصیلی ۱۳۳۴ شمار کارگران تحت پوشش سواد آموزی ضمن خدمت در آبادان به ۴۵۰۰ نفر و در مناطق نفتخیز به ۵۰۰ نفر رسید. شمار کارمندان اعزام به خارج برای آموزش فنی اداری به رقم پنجاه نفر گشت و همچنین ۵۷ دانش آموز دردوره متوسطه فنی و بازرگانی و ۱۱۷ دانشجو در دوره‌های مهندسی در آموزشگاه فنی (بعدها دانشکده نفت) آبادان مشغول تحصیل شدند. بالغ بر ۴۰ هزار نفر از کارگران و ۷ هزار نفر از کارمندان شرکت ملی نفت در اموزش‌های ضمن خدمت از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۶ شرکت کردند.

ضعف شرکت در سه اداره حسابداری، بازرگانی، حقوقی

شرکت ملی نفت درسال ۱۳۳۰ تاسیس شد و خیلی زود متوجه ضعف سازمانی در سه اداره حسابداری ، بازررگانی و حقوقی شد. شمار ایرانی‌های ورزیده کم بود. دست بردن در ارقام مالی و حساب سازی‌ها از جمله اختلاف‌های دولت ایران و شرکت نفت انگلیس بود که تا پیش از ملی شدن نفت، بارها در سخنان نمایندگان مجلس و مطبوعات بازتاب یافت. از اینرو شرکت ملی نفت به آموزش نیروی انسانی در سه رشته علوم اداری، بازرگانی و حقوق پرداخت. آموزشگاه عالی حسابداری شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۶ برای تعلیم کادر حسابداری و مالی تاسیس شد و پس از چندی دانشکده حسابداری وعلوم مالی نام گرفت. مجموع فارغ التحصیلان این دانشکده تا سال ۱۳۵۵ به ۱۱۷۰ لیسانسه و تعداد ۵۳۴ نفر انها فوق لیسانس بودند.

همچنین رشته اداری بازرگانی در دانشکده نفت آبادان در سال ۱۳۴۱ راه‌اندازی گردید و از این طریق شرکت در نیمه دهه ۱۳۴۰ در وضعیت قابل قبولی قرار گرفت. در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۶مجموعه‌ای از همکاری‌ها بین اداره حقوقی شرکت ملی نفت و دانشکده حقوق دانشگاه تهران برای تدوین قراردادهای نفتی پیمانکاری صورت گرفت که به موقعیت پایدار شرکت به لحاظ دانش و تجربه انجامید.

دوره‌های آموزشی متنوع و کنفرانس‌های علمی در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ سازمان یادگیری شرکت را تحول اساسی داد. درس‌ها و دوره‌های ضمن خدمت مانند: گزارش نویسی، حسابداری، دانش رهبری، اطفا حریق، ایمنی، بازرسی، بهداشت صنعتی، حفاری دریایی و بهداشت صنعتی به اجرا درامد.

براساس گزارش مدیر عامل شرکت ملی نفت «در سال ۱۳۵۱ جمعا ۴۸۱ نفر هنرآموز و هنرجودر آموزشگاه‌های حرفه‌ای و هنرستان‌های صنعتی شرکت ملی نفت ایران مشغول تحصیل بودند. همچنین ۷۷۱ نفر از کارمندان شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های فرعی در کنفرانس‌های سرپرستی، فن رهبری وگزارش نویسی شرکت کردند. تربیت کارآموزی و کارورزی ۳۷۸ نفر از کارکنان صنعت نفت و سازمانهای ملی و دولتی در مراکز مختلف صنعت نفت داده شد و ۳۰۰ نفر از دانشجویان مدارس عالی و دانشکده‌های کشوردر واحدهای مختلف صنعت نفت کارآموزی نمودند. ضمنا نسبت به امور تحصیلی ۱/۸۶۷ نفر بورسیه‌های شرکت ملی نفت ایران که در دانشگاه‌های ایران و خارج از

کشور تحصیل می‌کنند رسیدگی و نظارت کامل بعمل آمد.»

یافته‌های پژوهش

دو راهبرد «تنوع بخشی» و «عمومی سازی» در نظام آموزشی شرکت ملی نفت ایران که در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷ به اجرا درآمد، آن را نسبت به عملکرد شرکت نفت انگلیس ایران که برای نیروی کار ایرانی به کار می‌برد در جایگاهی بالاتر قرار داد؛ هرچند که تراز علمی این دو شرکت در یک سطح نبود. عامل اصلی موفقیت شرکت ملی نفت در بخش آموزش همانا بسیج سازمانی، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین جهانی، انباشت دانش، بهبود یادگیری سازمانی، همکاری با شرکت‌های نفتی بین‌المللی و تفکر نقاد بود. شرکت با تهییج انگیزه در نیروی کار، بسیج سازمانی را سامان داد و به اهداف سازمانی نائل آمد.

منابع

- نادری، ناهید (۱۳۸۶). توانمندسازی کارکنان از طریق آموزش ضمن خدمت (مورد مطالعه شرکت پالایش نفت اصفهان)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال هفتم،شماره ۲۷، زمستان ۱۳۸۶، صص۱۲۱-۱۱۶.

اقبال، منوچهر (۱۳۵۲) پیام دکتر اقبال به مناسب سالروز ملی شدن صنعت نفت، بورس، شماره ۱۱۷، ص۲.

-گرینوی، چارلز (۱۳۰۴). صورت جلسه سالیانه شرکت نفت انگلیس ایران سال ۱۳۰۴، تهران: چاپخانه روشنایی

-آموزش در شرکت ملی نفت (۱۳۴۹). نشریه بورس، دوره اول، تیر، شماره ۸۴، ص. ۱۶

-فعالیت‌های فرهنگی شرکت ملی نفت (۱۳۴۴). نشریه ارمغان،

دوره ۳۴، شماره ۸، صص. ۳۸۱- ۳۷۸.
- پترولیوم پرس سرویس، (۱۳۴۶). آموزش مدیریت در صنعت نفت، بورس، شماره ۴۵، صص. ۲۷-۲۵.
- آموزش نفت در اکافه (۱۳۴۳). نشریه بورس، دوره اول، شماره ۱۰، ص. ۶۲.
- آموزش در شرکت ملی نفت، (۱۳۴۴). نشریه بورس، دوره اول، شماره ۲۹، ص ۹۲
- آشنایی با مراکز آموزش عالی تربیت متخصص مالی دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران، (۱۳۵۵). نشریه حسابرس، دوره قدیم، آذر، شماره ۲، صص ۱۹-۱۸.

Editor's Note

By Masoud Forouzandeh
February 2024

History of Abadan (Development and Education)

We can align the history with the development and for the sake of the development only if conditionally we put aside a unilateral restrictive biased observance on the past.

Because of the role and the functionality of various educational institutes, and social centers in the development and construction of the New Abadan,the Mashal Abadan attempts to talk about one of those, in each edition of it.

This edition-issue of the Mashal Abadan is investigating the Artisans School; A center that wad founded to educate the adolescents for skills and profession, having a major role and responsibility in the societal and educational development of Abadan and its people, and the petroleum industry of Iran,subsequently.

The artisans(the students of technical schools) had special stance and particular duty, invaluable and crucial, for the development of this city, the repairing of the Abadan refinery complex, and also to start up new petroleum and petrochemical refineries, afterwards, with the assistance and collaboration of the engineers of the Abadan petroleum faculty, before and after the Islamic revolution of Iran, certainly.

The apparent example of this assistance and continuation is the establishment and construction of the Tabriz and Isfahan Refineries.

The engineers, the experts, and the skilled labourers of the Abadan refinery had participation in most of the urbanization and developmental projects and operations, in

the city of Abadan, actively.

They were assisting the municipality of Abadan and the government of Iran for the development in this city, from planning and mapping and geographical preparatory operations to the illumination projects of Kofeysheh and Ahmadabad and the construction of the sewers and sewage system of this city.

In the next upcoming edition-issue, we'll be talking about other parts of the legacy for this city, such as the nursery schools, the Razi and Farrokhi high-schools,the Women's Center,the association of the photographers,the postage stamp association, various groups of theatre, the south literature school,the Isfahanis Hosseinieh,the Behbahanis Hosseinieh,the clerical center and clergies school of Abadan,and the newspapers.

In the end,we invite the researchers and experts and those who are keen on the history and development of Abadan for collaboration and assistance.It'd be an honor to have collaboration from the renowned and eminent persons and experts, drafting and sending their memoirs, observations, notes , opinions about the past history of Abadan to the Mashal Abadan.

Training during the first Years in Anglo – Persia Oil Company

Author: Amir Hossein Forouzandeh

based on translation and research

The years after the approval of the Constitutional revolution of Iran, till the end of Reza Shah's era, are the important years of elevating the level and broadening the extent of education, training, literacy, and the development of the national and governmental workshops in Iran.

Although with a hiatus during the 2nd world war for this progression, it again reverted to its previous level of growth and breadth in Iran due to the fondness and keenness in people's mind for education and workshops.

Here, a look will be taken at the training and educational activities and aims of the petroleum company in the southern regions of Iran and its stance at that epoch.

The education and the types of primary schools in Iran:

In the year 1906, the education became compulsory for all males and females, boys and girls, with 6 six classes structurally. This edict wasn't implemented for years, due to the costs of it for the commoners. It was eventually exerted on the society of Iran in the year 1927, by the decree to let the people who can't afford the costs of schooling and training at schools as free education for them at schools.

Before that, there were many different private schools, teaching variously and having different schemes and targeting and students and teachers, devoid of a unification for primary schools and higher levels of education in Iran:

The foreigners' schools: these schools being operate and governed by foreigners in Iran, majorly by the Britons and the French, were giving the trainings to the people based on the educations in UK and France, and in languages of English and French.

The National Schools: these schools were formed by some educated persons in the government of Iran, at the ending years of the Qajar dynasty's era, to avert the dominance of the foreigners' schools in Iran.

Between the years 1906 and 1921, we see a wide growth and expansion of the governmental work shop. During the wide strikes of the teachers in the year 11922mto obtain their un-paid salaries for 9 months, the national parliament of Iran ratified new laws for this purpose and the formation of a unitary educational system allover Iran.

The method for this aim was duplicated from that of France by the national parliament of Iran.

All missionary schools(foreigners)and the schools of minorities(religions) became *national schools* as well.

The education for schools in Iran was divided into two segments, being 6 years of period: the primary and the secondary.

The wholeness of this systematization for the education in Iran was unified and , for one national language(Farsi) and one curriculum and syllabus for all students and teachers, allover Iran, entirely.

The number of schools was suddenly increased from 612 schools in the year 1922 to 1943 schools in the year 1924 widely nationally.

The oil-regions workshops of Iran:

Most of the training courses that the Anglo-Iranian Oil

Company established in the early years (1908 to 1933) were "workshop-oriented", with minimal theoretical courses and for the Indo-Burmese workforce. The desire of the members of the board of directors, as well as the history of cooperation with the Burma Oil Company, caused a significant part of the company's workforce in Abadan to be provided from India and Burma. The Burmese and Indian workforce was more skilled than the Iranian workforce.

The educational strategy of the company in this historical period had four characteristics. First, the training courses were short-term and workshop and not much time was spent on training, second, the economy policy of the company led to the lack of training courses, and third, the goal of the company was to train skilled workers. The company did not care about the large number of workers. The fourth feature was national discrimination in favor of Indian labor

The technical workshops of the Anglo-Iranian Oil Company:

The petroleum company's actions to establish and construct new technical workshops became apparent shortly in Iran afterwards to be widespread.

After seeing and confronting the continual revolts of the Indians (between 1919 and 1922) against the Britons and the British oil company in these regions, the board of directors of this company decided to change whole planning for education and training: now, employing native Iranian workers, starting to educate the Iranian workers, and let the Iranian labor-force act for themselves in the petroleum industry's areas.

In Masjed soleiman, Ahvaz, Abadan, there existed workshops and departments to train workers and non-workers

by the European experts.

The trouble for the Company was most of the educated workers were leaving the workplace, after the finish of the work or workshops, weren't likely to stay at the company's areas for work, and were abandoning towards their families, cities, towns. In a survey by the Company, during the last 3 years between 1923 and 390 ,1926 educated labourers left the Company towards their cities and families and workplaces.

The characteristics of the training (labor) system of British Iran Oil Company in the years 1908 to 1933

1. Short-term workshop courses
2. Saving money
3. Cultivation of skilled workers
4. Minimum training of the Iranian workforce

The educational system of these workshops was quite restrictive and hierarchical, being linearly for the students and workers to obtain training, certification and approval.

Later, in the due years, afterwards, this education became a compulsion for the Company to present it to the workers and the students who were eager to join and get recruited in the Company. So, the Iranian government, likewise, encouraged it and approved it to be a necessary decision for the petroleum industry of Iran.

From the year 1908, the first construction for a living and urbanization began in Masjed Soleiman and later in Abadan, but the need and the necessity to have schools wasn't a first decision and aim until 1921. The Company had mentioned, before that year, the company has no commitment for training and education. There was little interest in learning in the tribal workforce, and on the oth-

er hand, the company was not very interested in investing in training.

The reasons that the Company finally determined to start establishing the technical workshops:

The cheapness of recruiting and obtaining the native Iranian workers and their services and works, compared to the professional foreigner workers such as Indians or Europeans.

The pressures politically and societally from the government and the parliament of Iran for employment of Iranians at the company and the expulsion of non-Iranians to permit a better domination for the Iranian government on these regions as well.

Sources

Atabaki, T. (2015). Far from Home, But at Home: Indian Migrant Workers in the Iranian Oil Industry. Studies in History, 31(1), 85-114. https://doi.org/10.1177/0257643014558477

-Bamberg, James (2009) The History of The British Petroleum Company, Vol 2, Cambridge University Press, Digitaly Printed version, Pp 356-375.

-Jefroudi, M. (2017, October 11). "If I deserve it, it should be paid to me": a social history of labour in the Iranian oil industry 1951-1973. Retrieved from https://hdl.handle.net/1887/58772

-Eugene Sgeskr, Floyd (1952). The Anglo-Iranian Oil Crisis, A Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree Master science, KANSAS STATE COLLEGE OF AGRICULTURE AND APPLIED SCIENCE. https://krex.k-state.edu/bitstream/handle/2097/24813/LD2668T41952S22.pdf?sequence=1

-Minutes of the General Assembly of Anglo-Persian Oil Company, (1925). (Translated from Persian), Anglo-Persian Oil Company Publication.



کارکنان شرکت نفت

کارگر دستگاه تصفیه آب

ی علیتقی گلابی از ۱۷ سالگی وارد خدمت شرکت نفت شد و اکنون
آبادان مشغول کار میباشد . علیتقی بمطالعه و تحصیل علاقه
سی خوانده و اکنون هم در کلاس اکابر مشغول تحصیل انگلیسی
مطالعه کرده است بعد از قرآن بحافظ علاقه زیادی نشان میدهد
دارد و یکی از منازل شرکت نفت در فرح آباد با دو فرزندش
گی میکند .

در قسمت دستگاه تصفیه
فراوانی دارد پنج کلاس
است . از کتاب‌هائی
و اشعار زیادی از حفظ
که مشغول تحصیل هستند